هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ورزشی

نسیم جنوب

شماره بیستم - یکشنبه ۸ آذر ماه ۱۳۷۷

هشت صفحه ۵۰ تومان

یک جنایت نفرت انگیز
صفحه ۲

انتصاب یک بخشدار و تغییر دو فرماندار در بوشهر؟!
صفحه ۲

شهرام ناظری، استاد برجسته موسیقی در مصاحبه با نسیم جنوب:

صدا و سیما شده یک بنگاه بساز بفروش آهنگهای دسته هفت
صفحه ۳

ابهامی دیگر بر تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی

رسالت مردم، صاحبنظران و مطبوعات در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا
صفحه ۳

داریوش فروهر و همسرش از دیدگاه دکتر مصدق

احمد تورانی مربی تیم شاهین بوشهر:

رفتار مرحوم علی مصلح در میادین ورزشی زبانزد خاص و عام بود

حسین نوری فیروزی شاعر محلی بوشهر:
صفحه ۵

من برای زنده نگه‌داشتن واژه‌های بومی شعر می‌سرایم



بوشهر - عکس از سعید فقیه

تحریم جشنواره تئاتر استانی توسط هنرمندان نمایش گناوه

انتقاد هنرمندان گناوه از مسئولین فرهنگ و ارشاد اسلامی

جشنواره فجر محل کشف استعدادها

معرفی گروههای شرکت‌کننده در جشنواره

نسیم جنوب

یک جنایت نفرت انگیز

در هفته گذشته قتل داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری، موجب حیرت و تاسف بسیاری از مردم ایران گردید. سید محمد خاتمی در پیامی خواستار پیگیری جدی قتل فروهر و همسرش شد. داریوش فروهر در اصفهان در خانواده‌ای نظامی به دنیا آمد، عشق به وطن و ناسیونالیسمی را که بعدها اساس کارهای سیاسی او گشت، از پدر آموخت و خیلی زود با تشکیل حزب پان‌ایرانیسم در سال ۱۳۲۳ وارد صحنهٔ سیاسی شد. او اولین بار در حکومت رزم‌آرا دستگیر و به زندان افتاد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا پیروزی انقلاب بارها به زندان رفت. در سال ۱۳۴۰ با پروانه اسکندری که دانشجوی علوم‌اجتماعی بود، ازدواج کرد و از آن پس هر دو در فعالیتهای سیاسی شانه به شانهٔ هم حرکت می‌کردند. او که از نظر اخلاقی فردی شجاع بود از جمله هفت نفری بود که به هنگام مرگ دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۴۶ پیکر او را تا احمدآباد (آرامگاه مصدق) تشییع کردند. او در اوان انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مناسبت شهادت فرزند امام سیدمصطفی خمینی خطابهٔ آتشینی بر ضد رژیم شاه ایراد کرد و در پاریس به دیدار امام رفت و سپس در دولت مهندس بازرگان وزیر کار شد و پس از آن بخصوص به دلیل فعالیتهایی که در کمیسیون حل مشکل کردستان داشت، چهرهٔ ملی خود را هم به نسل جوانتر شناساند. او دلبستگی خود را به مردم کُرد تا آخرین روز حیات حفظ کرد و صبح روزی که به قتل رسید با ارسال دسته گلی به سفارت ایتالیا در تهران آزادی عبدالله اوجلان رهبر کردهای ترکیه را از زندان صدام تبریک گفت.

او در آخرین گفتگوئی که با یکی از نشریات خارج از کشور انجام داده بود، دربارهٔ خود و زندگی سیاسیش چنین گفته است: «من نزدیک هفتاد سال را پشت سر گذاشته‌ام و در عشق این مرز و بوم و سودای یک ایران آزاد و آباد بهترین سالهای زندگیم را در زندان بسر برده‌ام. من و شما که عمر جاودان نداریم اما این کشور و این ملت همیشه پایدار است. جاودانگی من در آن است که زندگیم را فدای ایران و سربلندی آن کنم. پس از من دیگران و شما جوانان هستید و چه باک از مرگ، زندگی من فدای ایران و سربلندی آن باد. من راه خودم را که راه پاکان است، راه مصدق بزرگ است، می‌روم و برای مرگ هم آماده هستم».

ابراهیم یزدی درخصوص قتل داریوش فروهر و همسرش اظهار داشت: «من آقای فروهر را از سالهای ۱۳۲۶ که برای اولین بار حزب ملت ایران و بنیاد پان‌ایرانیسم را برپا کردند، می‌شناختم. ما با اینکه اختلاف مشرب سیاسی داشتیم ولی ایشان در طول این پنجاه سال همواره بر یک خط و دفاع از منافع ملی حرکت می‌کردند و به دفعات به خاطر همین دفاع از منافع امنیت ملی به زندان رفتند و بنابراین نهایت تأسف و تأثر است که این واقعه اتفاق افتاد و آن هم به این طرز فجیع. مشکل است بپذیریم که این قتل بخاطر انگیزه‌های شخصی باشد و ظاهراً تمامی شواهد حکایت از این دارد که انگیزهٔ سیاسی در کار بوده و این وظیفهٔ دولت و بخصوص شخص آقای خاتمی را سنگینتر می‌کند که می‌بایست در اینباره دست به اقدامات جدی بزنند چراکه اعتبار ملی و بین‌المللی دولت آقای خاتمی در میان می‌آید و اگر آقای خاتمی نتواند در داخل ایران امنیت را برای مخالفین سیاسی تأمین بکند و همیشه مخالفین با چنین خطراتی مواجه باشند، معلوم نیست سرنوشت دولت ایشان و آیندهٔ برنامه‌های جامعهٔ مدنی که ایشان به حق مبلّغ آن هستند و تاکنون باصداقت از مواضع و تعهدات خود دفاع کرده‌اند، چه خواهد شد. از این نظر وظیفهٔ سنگینی بعهدهٔ آقای خاتمی است و مردم انتظار دارند که تمامی عوامل قتل دستگیر و به مردم معرفی شوند و در نهایت آنها را مجازات کنند.»

در حاشیه قتل فروهر و همسرش پروانهٔ اسکندری

● روز پنجشنبه هفته قبل پیکر داریوش فروهر و همسرش از مسجد فخرآباد تا میدان بهارستان در تهران تشییع شد. در این مراسم یدالله سحابی بر پیکرهای آنها نماز خواند و علی‌اکبر معین‌فر وزیر نفت در دولت مهندس بازرگان در سخنانی بر ادامه راه داریوش فروهر در دفاع از آزادی تأکید کرد.

● پیکرهای داریوش فروهر و همسرش پس از مراسم تشییع در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

● مقامات نیروی انتظامی اعلام کرده‌اند تاکنون چندین نفر در رابطه با این قتل دستگیر شده‌اند اما جزئیات بیشتری در اینباره ارائه نکردند.

● سازمان نظارت بر حقوق بشر در نامه‌ای بعنوان محمد خاتمی رئیس‌جمهوری ایران نوشته است که حرف به تنهائی نمی‌تواند به نگرانیهای فزاینده در مورد این که در ایران کسانی که آشکارا صحبت می‌کنند، مرعوب شده مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و یا کشته می‌شوند، پایان دهد.

● صداوسیما برای اولین بار قتل یکی از شخصیتهای مخالف نظام را بصورت خبر و بدون هیچگونه تفسیر و توضیحی پخش کرد.

● به گفته رادیو بی.بی.سی در حالیکه اکثریت شرکت‌کنندگان در تشییع‌جنازه مرحوم فروهر و همسرش به دنبال اجساد تا بهشت زهرا حرکت کردند، گروه کوچکی از مشایعت‌کنندگان از مسیر خارج شده و شروع به دادن شعارهائی در دفاع از آزادی و مذمت گروههای فشار کردند که این امر در مقطعی به درگیری بین آنها و نیروهای انتظامی منجر شد.

● آیت‌الله منتظری در بیانه‌ای قتل داریوش فروهر را فجیع و مظلومانه خواند و اظهار داشت که خبر این قتل افکار عمومی را در بهت و حیرت فرو برده. در قسمتی از این بیانیه که از سوی بی.بی.سی پخش شد، وی داریوش فروهر را مردی دانسته که سالیان متمادی از عمر خویش را در راه دفاع از استقلال و حقوق حقهٔ انسان و آزادیهای مشروع ملت ایران در زندان سپری کرد و وظیفهٔ وجدانی و انسانی خود را نسبت به کشور و ملت در حد امکان و توان ادا نمود. آیت‌الله منتظری که در زندان قزل‌قلعه از نزدیک شاهد اعمال و رفتار داریوش فروهر هم‌بند خود بود از رسانه‌هایی که وی را فردی غیرمذهبی توصیف کرده‌اند، انتقاد کرده است. وی از رئیس‌جمهوری ایران خواسته تا نتیجهٔ نهائی دستور رسیدگی خود را تعقیب کند.

● محسن رضائی در واکنش به این واقعه «گروههای فشار صهیونیستی» را مسبب قتل مرحوم فروهر و همسرش دانست و دری‌نجف‌آبادی وزیر اطلاعات احتمال دخالت سازمان منافقین را منتفی ندانست.

سخنرانی حجت‌الاسلام محمد فولادی در دانشگاه خلیج فارس بوشهر:

جوانی و دینداری

روز سه‌شنبه در دانشگاه خلیج‌فارس به دعوت انجمن اسلامی، آقای حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد فولادی در باب "جوانی و دینداری" برای دانشجویان سخنرانی کردند و در پایان جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.همچنین ایشان در عصر چهارشنبه با خواهران دانشجو درباره حجاب صحبت کردند و در پایان نیز به پرسشهای خواهران پاسخ داده شد.

ایشان در جلسه پیرامون حجاب در آغاز واژهٔ حجاب را معنا کرده و گفتند که حجاب به معنای پرده و حاجب است و استعمال آن به معنای پوشش از اصطلاحات جدید است و از پوشش در فقه به عنوان «ستر» بحث شده است و اسلام که بحث از پوشش کرده مفهوم آن چنین است که زن می‌تواند در اجتماع حضور داشته باشد و تنها شرط آن پوشش است که به استثنای چهره و دستها تا مچ شامل بقیه اعضا می‌شود و در لسان قرآن از پوشش به نام «حجاب» نام برده شده است که به معنای قمیص و پیراهن گشاد می‌باشد و در اسلام نوع لباس مشخص نشده است بلکه حدود آن را معین کرده است و البته چادر کاملترین آن می‌باشد اما تنها نوع پوشش نیست.

ایشان در ادامه سخنان خود، فلسفه حجاب را:

۱ـ آرامش روانی زن و مرد ۲ـ استحکام پیوند خانواده‌ها ۳ـ استواری اجتماع و ارزش و احترام زن دانستند.

در آخر توصیه کردند که حجاب‌را باید یک طرز فکر تلقی کرد و گفتند: چادر یک فرم است. و اگر تلقی زنان جامعه پیرامون حجاب عوض شود و به نام یک فکر دینی و نه یک سنت تلقی شود، خود بهترین صورت حجاب را با اختیار انتخاب می‌کنند و هیچ اجباری لازم نیست.

تشکیل هشتمین جلسه انجمن بوشهریهای مقیم مرکز

در روز دوشنبه دوم آذرماه، جلسه انجمن بوشهریهای مقیم تهران در مرکز تشکیل شد. ابتدا اساسنامه کامل شده توسط آقای رازی طبیب، عضو کمیته تنظیم اساسنامه قرائت شد و پس از بحث و گفتگو، توسط اکثریت حاضرین به تصویب رسید. سپس انتخابات هیئت مدیره برگزار شد (قبلاً هیئت مدیره موقت بنا به درخواست خود استعفا داده و بطور اصولی جا را برای کاندیداتوری دیگران باز گذاشت) که پس از رأی‌گیری دکتر جعفر حمیدی، پرویز هوشیار، سیدمهدی علوی، احمد جولائی و ابراهیم میگلی‌نژاد به ترتیب آراء بعنوان اعضاء اصلی هیئت مدیره و دکتر عبدالرسول مهرسای و داریوش چوبک به عنوان اعضاء علی‌البدل، عبدالعلی چعبی و منصور منصورنژاد بعنوان بازرس اصلی و خانم غلامپور بعنوان عضو علی‌البدل بازرس انتخاب گردیدند. در پایان اساسنامه تصویب شده به اعضاء کمیته تنظیم اساسنامه، داده شد تا پیگیر تصویب قانونی آن باشند. حضور چند نفر از اعضاء انجمن دشتستانیهای مقیم مرکز جلوه ویژه‌ای به این جلسه داده بود.

انتصاب یک بخشدار و تغییر دو فرماندار در بوشهر ؟!

گفته می‌شود که بزودی یکی از اعضای ستاد انتخاباتی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، که بتازگی هفته‌نامه‌ای نیز منتشر نموده‌اند، به سمت بخشدار مرکزی بوشهر منصوب می‌شود. پست بخشداری بوشهر بعد از انتصاب بخشدار آن به سمت فرمانداری تنگستان، چندین ماه است که خالی مانده و از چندین نفر نیز تاکنون برای این پست معمولی در وزارت کشور سخن به میان آمده است. همچنین شنیده شده که دو تن از فرمانداران شهرستانهای استان بوشهر در شرف تغییر می‌باشند. تغییر قریب‌الوقوع این دو تن در حالی صورت می‌گیرد که هنوز مدت زیادی از انتصاب آنان به این پست نگذشته است.

احداث مدرسه توسط یک فرد خیّر

● در راستای مشارکت افراد خیر و نیک‌اندیش در امر مدرسه‌سازی و در خجسته ایام میلاد باسعادت حضرت امام حسین(ع) کلنگ احداث دبیرستان شش کلاسه در بویری شبانکاره به زمین زده شد. این مدرسه با هزینه فرد خیری بنام حاج عبدالرسول عوضی با اعتباری بالغ بر ۵۰۰ میلیون ریال و با مساحت ۹۳۰ مترمربعی ساختمان آموزشی و فضاهای جانبی شامل نمازخانه، کتابخانه، آزمایشگاه و با همکاری و مشارکتهای مردمی اداره کل نوسازی مدارس استان بوشهر تکمیل و تجهیز خواهد گردید.

تأسیس جمعیت فرهنگیان پیرو ولایت فقیه در دشتستان

با انتشار اطلاعیه‌ای، جمعیت فرهنگیان پیرو ولایت فقیه دشتستان اعلام موجودیت نمود. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: «انتظار دارد با استقبال فرهنگیان بزرگوار شهرستان دشتستان و همکاری مسئولین محترم، این جمعیت بتواند به مهمترین اهداف خود که تحقق بخشیدن به اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی و همچنین پی‌گیری درخصوص حقوق حقه فرهنگیان ارجمند و سازماندهی و انعکاس نقطه نظرات مثبت و سازنده آنان به مسئولین و مراجع، ذیصلاح می‌باشد جامه عمل بپوشاند.

یک زن در بوشهر شوهرش را کشت

به گزارش عقیدتی سیاسی ناحیه انتظامی بوشهر در مورخهٔ ۷۷/۸/۲۶ به دنبال دریافت خبر قتلی که در محلهٔ شکری اتفاق افتاده بود، مامورین آگاهی با نیابت قضائی به محل وقوع حادثه اعزام و از اتاق خواب مقتول بنام کاظم یک قبضه اسلحه کمری با تیر مربوطه در زیر تخت‌خواب وی کشف کردند، مأمورین در این خصوص ابتدا به همسر مقتول مظنون و مشارالیه را بازداشت می‌کنند و پس از انجام تحقیقات فنی و پلیسی و جمع‌آوری دلائل مدارک مستند، همسر مقتول کمتر از ۶ ساعت به قتل شوهرش در هنگام خواب اعتراف می‌کند. علت قتل اختلاف خانوادگی اعلام شده است.



موفقیت دانشجویان دانشگاه آزاد بوشهر در نخستین کنفرانس دانشجوئی مهندسی برق کشور

نخستین کنفرانس دانشجویی مهندسی برق کشور باحضور مؤسسات و دانشگاههای آموزش عالی دانشگاههای آزاد سراسر کشور و با شرکت یک تیم ۵ نفره از دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر برگزار شد. در این همایش، مهندس مژگان شیال شریفی، از فارغ‌التحصیلان واحد بوشهر به ارائه مقاله خود تحت عنوان «نرم افزار جامع روشنائی» پرداخت. در حاشیه این گردهمائی، نمایشگاهی نیز تشکیل شد که دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، نیز با شرکت در بخش دستاوردهای دانشجویی و ارائه پرژوه‌های ساخته شده توسط دانشجویان خود، بخشی از فعالیتهای انجام شده را به نمایش گذاشت. همچنین در مسابقه برگزار شده بین کلیه دانشگاههای شرکت‌کننده که در قالب ارائه چهار طرح جهت چهار گرایش برگزار شد، دو تن از اعضاء تیم واحد بوشهر موفق شدند صاحب عنوان بهترین طرح ارائه شده شوند و جایزه ویژه را دریافت نمایند. اسامی اعضای تیم واحد بوشهر عبارتند از: آیدا دادور، محسن اسلامی، محمدصادق علامی، محمود قاسمی‌پژوه، پدرام اکبرزاده‌جباری، مهندس مژگان شیال‌شریفی، مهندس علیرضاچمکوری.

گرامیداشت مقام جانبازدر بوشهر

● به مناسبت گرامیداشت مقام جانباز و تجلیل از ایثارگری جانبازان، مراسم جشن میلاد با حضور جمع کثیری از جانبازان و اعضاء خانواده آنها در مهدیه امام خمینی (ره) بوشهر برگزار گردید. در این مراسم که عده‌ای از مسئولین استان نیز حضور داشتند، برنامه‌های متنوعی شامل سخنرانی، تواشیح و مداحی اجرا گردید.

پاسخ اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر

با سلام، عطف به مطلب مندرج در هفته نامه شماره ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۳ آبان ماه ۷۷ پاسخ معاونت آموزش عمومی اداره کل آموزش و پرورش خدمتتان در پاسخ به عنوان (چرا تابلو مدارس نمونه مردمی پائین کشیده نمی‌شود) ارسال، خواهشمند است نسبت به درج آن در شماره آتی هفته نامه اقدام لازم مبذول فرمائید.

۱ـ در اجرای برنامه‌های جدید وزارت آموزش و پرورش و به منظور نیل به اهداف آموزشی در مدارس کشور، نمونه مردمی منحل و در ردیف مدارس عادی دولتی قرار گرفتند که در پی آن مدیران مدارس می‌بایست نسبت به تعویض تابلو و مهر مدارس اقدام می‌نمودند که اینکار از ابتدای سال جاری توسط مدارس نمونه مردمی سابق در حال انجام می‌باشد که مدارس بسیاری نیز تابلوها را تغییر داده‌اند.

۲ـ طبق آئین‌نامه نحوه ارائه خدمات آموزش و پرورش فوق‌برنامه در مدارس دولتی برگزاری اینگونه کلاسها در طول سال تحصیلی در هر یک از دوره‌های ابتدائی، راهنمائی، متوسطه، پیش‌دانشگاهی به ترتیب حداکثر ۶،۸،۱۰،۱۲ ساعت اعلام شده است که پس از تصویب انجمن اولیاء و مربیان هر آموزشگاه و تأیید اداره آموزش و پرورش مربوطه و صدور مجوز شورای آموزش و پرورش آن شهرستان برای دانش‌آموزان متقاضی تشکیل می‌گردد.

۳ـ به رغم تلاش و پیگیری چندین ساله مسئولین ذیربط متأسفانه تاکنون به علت به حد نصاب نرسیدن دانش‌آموزان دبیرستان شاهد تشکیل نگردیده و لذا مدرسه مذکور عنوان مدرسه شاهد را بخود نگرفته است تا انتقاد مذکور بر آن صدق نماید.

۴ـ دبیرستان بزرگسالان میثاق شهرستان بوشهر در اوایل سال تحصیلی جاری به یکی از مدارس آن شهرستان که دارای فضای مناسب‌تری می‌باشد انتقال یافته است.

«مسئول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر»

پیشنهاد حجة‌الاسلام عبدالله حاجیانی:

افزایش تعداد نمایندگان استان بوشهر در مجلس

نماینده مردم شهرستانهای کنگان، دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای اداری استان خواستار افزایش سهمیه نمایندگان این استان در مجلس شورای اسلامی شده است.

عبدالله حاجیانی گفته است: «با توجه به قانون اساسی بازنگری شده که می‌بایست هر ۱۰ سال حداکثر ۲۰ نماینده بر تعداد کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی افزوده شود لازم است از این تعداد حداقل دو نماینده دیگر برای دفاع از حقوق مردم به استان بوشهر اضافه شود.»

بنابراین به نظر آقای حاجیانی استان بوشهر باید ۵ نماینده داشته باشد.

البته لازم به ذکر است که چند هفته پیش از طرف استانداری بوشهر پیشنهادی درخصوص افزایش نمایندگان مجلس استان بوشهر از ۳ نفر به ۵ نفر به وزارت کشور ارسال شده است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد که درخواست افزایش نمایندگان بوشهر به ۵ نفر با توجه به شرایط موجود، به هیچ وجه امکان‌پذیر نبوده و چنانچه مسئولین استان پیشنهاد افزایش یک نماینده را مطرح نمایند، امیدواری بیشتر برای تصویب آن وجود خواهد داشت.

یک انتقاد از سوی نماینده مردم دشتستان

بالاخره پس از گذشت مدتها، نماینده مردم دشتستان در شورای اداری استان انتقادی را مطرح نموده و خواستار حل آن شده است.

خدانظر قاسمی گفته است که هم اکنون بزرگترین واحد بسته‌بندی خرمای کشور که در این شهرستان قرار دارد تعطیل است. این نماینده که معلوم نیست به چه علت کمتر به مطرح کردن مسائل و مشکلات منطقه در جلسات عمومی و رسانه‌های جمعی می‌پردازد، اضافه کرده است: «با توجه به تولید بیشتر از ۱۰۰ هزار تن خرما در استان، ایجاد کارخانه‌ای کوچک با ظرفیت بسته‌بندی ۵ هزار تن مشکل کشاورزان را حل نخواهد کرد».

وی در ضمن سخنان تأمل‌آمیزی نیز بر زبان آورده است بدین مضمون که: «درحالیکه هر دانه خرما می‌تواند یک دلار ارزآوری داشته باشد! بخاطر عدم توجه به بازاریابی و بسته‌بندی مناسب هم اکنون نخلداران در فروش محصولات خود با مشکل جدی مواجه می‌باشند». البته این نماینده نگفته است که چگونه هر دانه خرما می‌تواند یک دلار ارزآوری داشته باشد. وی همچنین در مورد علت تعطیلی کارخانه بسته‌بندی خرمای دشتستان نیز توضیحاتی نداده است.

فرماندار شهرستان تنگستان:

تنگستان در چرخه و فرایند توسعه قرار نگرفته است.

فرماندار شهرستان تنگستان گفته است که این شهرستان به نسبت دیگر مناطق استان در چرخه و فرایند توسعه قرار نگرفته است. ماشاءالله حیدرزاده افزوده است: این امر باعث شده شهر اهرم به عنوان مرکز شهرستان، همچنان با یک خیابان، بافت روستایی و سیمای ۲۰ سال قبل باقی بماند.

وی گفته است که این در حالی است که به لحاظ پائین بودن سطح درآمد مردم، آنان حتی قادر به پرداخت عوارض ساختمانی مسکونی خود نیستند و وجود این معضل شهرداری را برای هرگونه عمران و آبادی با مشکل مواجه کرده است.

وی هرگونه اصلاح و تغییر در ساختار عمرانی تنگستان را مستلزم تخصیص اعتبار بیشتر دانسته است.

فرماندار دیلم:

شهرستان دیلم محرومترین شهرستان استان بوشهر

فرماندار دیلم گفته است که این شهرستان محرومترین شهرستان استان بوشهر است، وی اضافه نموده که با توجه به اینکه این منطقه بالاترین نرخ بیکاری را در سطح استان بوشهر دارد، لازم است نسبت به ایجاد طرحهای اشتغال‌زا مانند احیای جلگهٔ لیراوی، گسترش صنایع کشاورزی و روستائی اهتمام بیشتری صورت پذیرد.

فرماندار دیلم همچنین از عملکرد دستگاههای اجرائی انتقاد نموده و از مسئولین شهرستان خواسته است که در زمینه عمران، آبادی و بهداشت تلاش بیشتری نمایند.

شهرام ناظری، استاد برجسته موسیقی ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:

صدا و سیما شده یک بنگاه بساز بفروش آهنگهای دسته هفت



شهرام ناظری در سال ۱۳۲۹ در شهر کرمانشاه به دنیا آمد. بیشتر افراد خانواده پدری وی دوستدار موسیقی بودند. وی هشت ساله بود که اولین برنامه آواز خود را در رادیو به همراهی تار مرحوم درویشی اجرا کرد. در یازده سالگی برای اجرای برنامه‌های تلویزیون به تهران آمد - یکسالی نیز در تبریز زندگی کرد و از محضر استادانی چون بیگجه‌خانی - محمود مزنام و حاج قیطانچیان بهره گرفت و با موسیقی آذربایجانی و سبک آوازی اقبال آذر آشنا شد. وی از سال ۱۳۴۶ - در تهران نزد اساتید بزرگی چون شادروان عبدالله دوامی، شادروان نورعلی برومند و شادروان محمود کریمی و اساتید دیگر مثل استاد احمد عبادی، استاد اصغر بهاری، استاد فرامرز پایور به فراگیری موسیقی پرداخت. وی در نخستین کنکور موسیقی ایران در رشته آواز به مقام نخست دست یافت و در سال ۱۳۵۴ با تأیید استاد برومند و راهنمائی‌های ه. ا - سایه و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و محمدرضا لطفی اولین کار خود را در رادیو و تلویزیون با گروه شیدا و اجرای تصنیف تمنای وصال و آواز متنوعی آغاز کرد. او اکنون برای همه شنوندگان و دوستداران موسیقی ایرانی چنان آشناست که از هر توصیفی بی‌نیاز است.

□ جناب آقای شهرام ناظری لطفاً درباره خودتان برای ما صحبت کنید و اینکه شما زیر نظر چه اساتیدی کار کرده‌اید؟

● در کرمانشاه بدنیا آمدم. پدر و مادرم با موسیقی و ادبیات آشنا بودند و عموهایم همه اهل موسیقی بودند و در کرمانشاه کلاس موسیقی داشتند. عموی بزرگم شاگرد کلنل علینقی وزیری بود. بعد به تهران آمدم در مدت چهار سال در هنرستان موسیقی نزد اساتید قدیمی آواز از جمله شادروانان محمود کریمی، عبدالله دوامی و نورعلی برومند بودم. البته از دانش خیلی از اساتید بزرگ دیگر چه در زمینه ساز و چه در زمینه آواز استفاده کردم.

□ استاد، شما دارای یک سبک بخصوص هستید اگر ممکن است توضیحاتی در اینباره بدهید.

● من دارای یک سبک بخصوص هستم، البته شاید کسی نتواند صددرصد بگوید من دارای سبک خاصی هستم ولی من سعی کرده‌ام که یک تحولی در موسیقی سنتی بوجود بیاورم و نظرم این است که هر هنرمندی باید یک حرفی داشته باشد که نه آدمهای دیگر و نه هنرمندان دیگر به ذهنشان نرسد. و اگر با این ذهنیت کار هنری را شروع کنیم آن موقع ما می‌توانیم هنر این مملکت را به یک جایی برسانیم.

□ نظر شما درباره تقلید از آهنگهای دیگران چیست؟

● ما باید خلاقیت داشته باشیم نه اینکه از یکدیگر کپی‌برداری کنیم و تقلید کنیم. اگر کار ما یک کار تقلیدی باشد در نتیجه درجا خواهیم زد و هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌کنیم.

□ در این سالها چه گامهایی برای تحول موسیقی برداشته‌اید؟

● به هر صورت من هم یک گامهایی برای تحول موسیقی نه آن موسیقی سنتی بلکه موسیقی عرفانی برداشته‌ام، برای اینکه حرف بیشتری دارد. البته می‌توان به این نوع موسیقی، موسیقی سنتی هم گفت.

□ با وجود اینکه شما دارای یک سبک بخصوصی هستید چرا تا به حال ردیفی برای هنرجویان موسیقی تهیه نکرده‌اید؟

● اصولاً اجرای ردیف یک کاری است که فراغت بزرگ می خواهد. اگر ما می‌خواهیم یک ردیف برای مردم داشته باشیم خوب قبلاً این کار شده و ما هم می‌توانیم خیلی راحت و در مدت دو و سه ماه این کار بکنیم ولی چون ما فکر می‌کنیم که باید یک کار اساسی و ریشه‌ای انجام شود برای رسیدن به آن باید طوری باشد که وقتی که کاست و نوار ویدئویی ردیف بدست مردم در هر جای ایران برسد استفاده مثبت بکنند،

صدا و سیما شده مرکز تقلید که آهنگهای قدیمی را بوسیله آدمهای دیگر و با کیفیت پائین‌تر به مردم ارائه می‌دهد. و من اگر جای مردم بودم به این موسیقی سنتی اصلاً گوش نمی‌دادم.

احتیاج به یک فرصت بزرگ و یک فراغت زیاد دارد. من همیشه دلم می‌خواست که یک فرصتی باشد. چند سالی در محیط آرامی باشم و با کمک اساتید فلسفه و ادبیات و موزیسین‌های دیگر بتوانیم چنین کاری بکنیم. ولی شاید خیلی از کارهای معمولی هم نتوانسته‌ایم انجام دهیم.

من از موقعی که شاگرد اول کنکور موسیقی شدم تا به امروز، حدود ۳۰ سال همه من در حال جنگ و مبارزه بودم و هیچ وقت من در یک محیط آرامش‌بخش نبودم.

□ نظرتان درباره موسیقی در صداوسیما چیست و آیا صدا و سیما تا به حال گامی مثبت برای موسیقی سنتی برداشته است؟

● تلویزیون الان یکسری چیزهای تقلیدی و تکراری می‌خواهد و بیشتر می‌خواهد خاطرات مردم را تکان دهد و مردم را با خاطراتشان نگه داشته یعنی در حقیقت یک ملت زنده‌ای که به چیزهای مرده دلشان خوش است. درصورتیکه موسیقی یک پدیده آسمانی است و می‌تواند یک تأثیری بر ذهن جامعه داشته باشد و این موسیقی یک هنری است که می‌تواند پیام و امید داشته باشد و جامعه را با یک فلسفه خیلی مترقی و آسمانی نزدیک کند و به جامعه یک نفس تازه بدهد و جامعه را به جلو ببرد. ولی این راهی که تلویزیون پیش گرفته مردم زده شده‌اند، چون اکثراً همه تکراری‌اند که همه اینها را بلد هستند. صدا و سیما شده مرکز تقلید که آهنگهای قدیمی را بوسیله آدمهای دیگر و با کیفیت پائین‌تر به مردم ارائه می‌دهد.

این چیزی که حالا صدا و سیمابنا گذاشته یکجور شیون کردن و زجه زدن برای خاطرات گذشته است که ما این را قبول نداریم و برای اینکه ما از خودمان مراقبت کنیم به تلویزیون نمی‌رویم، نه اینکه با تلویزیون دشمنی داریم

و من اگر جای مردم بودم به این موسیقی سنتی اصلاً گوش نمی‌دادم.

□ پس به نظر شما صدا و سیما راه زنده کردن خاطرات را پیش گرفته است، آیا این دلیل نرفتن شما به صداوسیما است؟

● این چیزی که حالا بنا گذاشته شده یکجور شیون کردن و زجه زدن برای خاطرات گذشته است که ما این را قبول نداریم و برای اینکه ما از خودمان مراقبت کنیم به تلویزیون نمی‌رویم، نه اینکه با تلویزیون دشمنی داریم، تلویزیون خانهٔ ماست. ولی برای مراقبت از خودمان و هنرمان به تلویزیون نباید رفت چون این حداقل چیزی است که برای مراقبت از خود می‌توانیم انجام دهیم.

□ شما سالهاست که به صدا وسیما نرفته‌اید، آیا از این کناره‌گرفتن راضی هستید؟

● من الان ۲۰ سال است که به تلویزیون پا نگذاشته‌ام برای اینکه تلویزیون یک محیط خیلی بد و سطح پائین بوجود آورده و بدرد آدمهای دسته هفت می‌خورد، آنهائیکه می‌توانند آهنگهای دیگران تقلید کنند. در حقیقت تلویزیون شده یک بنگاه بساز بفروش آهنگهای دسته هفت و یک بنگاه صادرکننده خواننده‌های دسته هفت و موزیسین‌های دسته هفت. به خاطر حفظ موسیقی و خودمان کنار می‌ایستیم و این واقعاً خیلی خطرناک است چون یکسال یا دو سال نیست و اینکه ۲۰ سال آدم در خانهٔ خودش که تلویزیون است نرود خیلی خطرناک است.

□ استاد چرا هیچ وقت به موسیقی سنتی توجهی نشده و موسیقی سنتی هنوز جایگاه خود را در جامعه پیدا نکرده است؟

● بطور کلی این مربوط به حالا نیست و قرنهاست که موسیقی ما بی‌صاحب است و الان هم همین جور است. این کار، صاحب برنامه‌ریزی می‌خواهد و یک هدف می‌خواهد و به هرحال یک برنامه‌ریزی بزرگ در محلهایی مثل وزارت خانه و یا یک مرکز بزرگ و یا دانشگاه باید انجام شود. و صاحب‌نظران جمع شوند و تحقیق کنند و کار کنند، بخصوص در مورد آموزش ریشه‌ای در سطح کودکستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه برای بوجود آوردن هنرمندان. حالا اینطور نیست این شانسی است که یکی هنرمند خوبی می‌شود و یک نفر شانسی آدم متعهدی می‌شود. ولی جو اینطور نیست. مثلاً اگر یک نفر استعدادی هم داشته باشد در آن باتلاق می‌ماند و به جای اینکه راه متعالی و عالی پیش بگیرد در باتلاق فرو می‌رود. چون تلویزیون هدفش پر کردن برنامه‌هایش است.

هنرمندان زیادی ظرف این ۲۰ سال اخیر به تلویزیون آمدند که اول آدم فکر می‌کرد اینها استعدادهای خوبی دارند ولی به تدریج فرو رفتند.

□ آیا موسیقی سنتی همان است که مربوط به قرن‌هاست یا اینکه این موسیقی سنتی روز به روز باید شکوفاتر شود؟

● اصولاً اگر سنت می‌خواهد فقط خاطرات ما را زنده کند باید روی آن خط قرمز کشید، درصورتیکه اینطور نیست استفاده از سنت یک راه و روشی دارد و باید با یک طرز تفکر خیلی وسیعتر با سنت برخورد کرد و هیچ وقت اینطور نبوده که سنت یعنی عقب‌گرایی، در نزد یک هنرمند متفکر و هنرمندی که شناخت و هدف دارد سنت برایش یک چیز پویایی است.

«در ادامه این مصاحبه به سراغ یکی دیگر از همکاران شهرام ناظری رفتیم و با او نیز مصاحبه‌ای انجام دادیم»:

□ اگر ممکن است خود را برای خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب معرفی کنید.

● حافظ ناظری هستم متولد سال ۱۳۵۸.

□ موسیقی را از چه زمانی شروع کردید؟

● از بچگی در خانواده‌ای بودم که همه اهل موسیقی بودند و من تحت تأثیر این هنر قرار گرفتم.

□ چه سازهایی می‌زنید؟

● من اکثر سازها را می‌توانم بزنم ولی در این کنسرت سه تار می‌زنم البته کار تخصصی من بیشتر خواندن است. در ساز زدن و خواندنم سعی می‌کنم با یک فکری حرکت کنم که با چیزهایی که قبلاً بوده فرق داشته باشد.

□ آقای ناظری آیا شما با موسیقی بوشهر آشنا هستید؟

● بوشهر یکی از جاهایی است که یک موسیقی دست نخورده و خوبی دارد و اگر به این موسیقی خط داده شود و هدایت شود با این موسیقی خیلی کارها می‌توان کرد و من خوشحال می‌شوم یکی با این موسیقی کار کند و آنرا هدایت کند. چون موسیقی بوشهر هنوز آن روح اصلی خود را حفظ کرده است.

□ بوشهر را چگونه دیدید.

● بوشهری‌ها خیلی مهربان و خوب هستند و خیلی به موسیقی عشق می‌ورزند و ما سعی کردیم آنچه از دستمان برمی‌آید اجرا کنیم.

**«باتشکر از مهدی برناکه در تهیه این مصاحبه مارایاری نمودند.»

رسالت مردم، صاحبنظران و مطبوعات در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا

● پرویز حاجیانی (عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج‌فارس)

یکی از اصول قانون اساسی که زمینه ساز دخالت بیشتر مردم در تصمیم‌سازی و مشارکت‌پذیری و مؤید حق انتخاب مردم بر سرنوشتشان است، اصل ۱۰۰ قانون اساسی می‌باشد. طبق این اصل به منظور برنامه‌ریزی در امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، آموزشی و فرهنگی و سایر امور رفاهی و نظارت بر برنامه‌ها شورای شهر و روستا تشکیل می‌گردد. با تشکیل این شوراها برنامه‌های لازم جهت عمران و آبادانی شهرها توسط این شورا طراحی و تحت نظر آنها به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. این شوراها بعنوان پلی بین مردم و مسئولین استان و کشور عمل می‌نمایند و بخش قابل توجهی از اموری که در خلاء وجود این شوراها بعضاً توسط نمایندگان مجلس پیگری می‌شود توسط این شوراها انجام خواهد شد. اینکه این شوراها به چه میزان در ایفا و اجرای وظایفشان موفق هستند، و تا چه اندازه می‌توانند توسعه و عمران شهری را به ارمغان بیاورند؟ به دو عامل مهم بستگی دارد:

۱- مشخص شدن جایگاه واقعی این شوراها و وجود قوانین و مقررات لازم و مناسب برای فعالیت این شوراها، که با توجه به نوپا بودن این شوراها ممکن است در سالهای اولیه با برخی خلاها چه از نظر جایگاه و چه به لحاظ قوانین و مقررات روبرو شوند و بدیهی است که وجود این اشکالها در بدو فعالیت هر نهادی اجتناب ناپذیر است.

۲- توان و قدرت برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها توسط شورا که بستگی به توان و کارائی مدیریتی اعضا شورا دارد.

می‌توان گفت این عامل مهم است که شورای شهرهای مختلف را از نظر عملکردی از همدیگر متمایز خواهد ساخت. تعدادی از شهرها بواسطه توانمندیهای مدیریتی شورایشان گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند، بعبارت دیگر در مقایسه شهرها با یکدیگر شهرهائی موفقتر خواهند بود که شورای شهر قوی‌تری داشته باشند.

اگر دو عامل فوق‌الذکر (جایگاه و قانون جامع و توان و کارائی اعضای شورا) را بعنوان اصلی‌ترین عوامل موفقیت شورای شهر فرض کنیم، بایدنقش مردم، اهل نظر و مطبوعات در ایجاد یک شورای شهر قوی بالاخص در تأمین عامل دوم مورد مداقه قرار گیرد و رسالت هر یک مشخص گردد.

توان مدیریتی و کارایی شورای شهر قبل از هر چیز بستگی به انتخاب افرادی دارد که با داشتن ویژگیهای لازم بتوانند چرخه توسعه استان را به بهترین نحوی هدایت نمایند، یعنی افرادی که دارای برجستگیهای لازم و توان بالای برنامه‌ریزی و نظارت باشند. افراد فکور و خوش فکری که اهل نظر و اندیشه بوده و توان ارائه و تجزیه و تحلیل طرحها و برنامه‌ها و نظریات مختلف را داشته باشند. در کنار این ویژگیها، شورای شهر به افراد صاحبنظر، با تجربه و خدومی نیاز دارد که منافع جمع (مردم) را بر منافع سیاسی و شخصی خود ترجیح دهند و علاوه بر آشنایی لازم و کافی با طبیعت منطقه و شهر با فرهنگ این مردم بنحوی آشنا باشند. مردم ما در سالهای اخیر معمولاً از ضعف مدیریتها گله‌مند بوده‌اند و علت اصلی این ضعفها را غیربومی بودن و فقدان توانایی لازم مدیران می‌دانسته‌اند، حال که این فرصت مناسب در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا خود بطور مستقیم مدیران شهرستان را

انتخاب نمایند، باید این فرصت را غنیمت دانسته و با مطالعه لازم و شناخت کافی افرادی مناسب برای عضویت در شورای شهر انتخاب کرده و سکان شهرستان را به مدت چهار سال به آنها واگذار نمایند و یک نکته مهم را همواره به ذهن بسپاریم که ملاک انتخابمان را فقط و فقط بر لیاقت و شایسته‌سالاری افراد قرار داده و از سیاست‌گرایی، هم‌صنفی، هم‌محله‌ای، و ... به شدت دست برداریم، که مصلحت خود و شهرمان در گرو این ملاک مهم قرار دارد و نشاید روزی را که بخواهیم به ضعف مدیریت شورای شهرمان سخره کنیم و باز نیز از ضعف مدیریتها بگوئیم، که در آن صورت مقصر اصلی خود هستیم و اصلاً بر ما پذیرفته نیست که «از ماست که بر ماست.» علاوه بر مردم که نقش اصلی و کلیدی را در انتخاب شورای شهر بعهده دارند عنصر دیگر قضیه می‌تواند زمینه را برای شورایی قوی‌تر و کارآمدتر فراهم سازد، افرادی هستند که خود را برای این امر مهم کاندیدا می‌نمایند. در این استان همیشه صحبت بر سراین مسئله بوده که افراد با صلاحیت و لایق زیادی وجود دارند که توان هدایت چرخ سازندگی استان را دارند، لذا در این مقطع باید صاحبنظران و افرادی که توان لازم دارند به منظور دستیابی به یک شورای شهر مطلوب و فراهم کردن حق انتخاب بیشتر و بهتر برای مردم خود را بدین امر مهم عرضه نمایند. در این راه مطبوعات استان نیز رسالتی دارند. مطبوعات باید با طرح شاخصها، دیدگاهها و نظرات مردم، مسئولین و کاندیدها شرایط را برای انتخابی بهتر فراهم نمایند و علاوه بر طرح دیدگاههای مختلف به نقد و بررسی این دیدگاهها پرداخته و جو انتخابات را شفافتر کنند، بطوریکه مردم به آسانی بتوانند شایسته‌ترینها را انتخاب نمایند. ختم کلام اینکه انتخاب شورایی با مدیریت قوی به منظور دستیابی به توسعه کمی و کیفی شهری با توجه به محورهای ذیل:

۱- استفاده خردمندانه از زمین. ۲- حفظ طبیعت. ۳- مقابله با عوامل آلاینده آب و هوای شهر. ۴- حفظ نشانه‌ها و هویتهای تاریخی. ۵- رعایت حقوق عامه شهروندان. ۶- تأمین سرانه‌ها در بخشهای مختلف: توسعه مدارس، بیمارستانها، فضای سبز و توزیع عادلانه این امکانات و تسهیلات. ۷- رعایت و تعیین و تعریف حقوق خصوصی افراد در زندگی شهری و ساختمان‌سازی از قبیل نور، عدم اشراف و آفتاب و مخیرات کالبدی بناها با توجه به فرهنگ بومی و منطقه و همه و همه، به بازیگری درست مردم، صاحبنظران و مطبوعات بستگی دارد.

اعتراض اهالی سرتل بوشهر به آلودگی محیط زیست توسط کارخانه رنگ سازی کهر

از سوی عده‌ای از اهالی کوی سرتل بوشهر نامه‌ای در اعتراض به آلودگی محیط زیست توسط کارخانه رنگ سازی کهر به دفتر هفته نامه رسیده است. در قسمتی از این نامه آمده است :اینجانبان اهل و ساکن کوی سرتل که در همجواری کارخانه رنگ‌سازی کهر سکونت داریم در اثر بوی شیمیائی در عذاب می‌باشیم. باید یادآور شویم که فعالیت کارخانه بیشتر در شب بوده و علاوه بر بو، صدای کارخانه نیز ناهنجار و غیرقابل تحمل می‌باشد و باعث آزار مردم منطقه شده است. با توجه به اینکه مواد شیمیائی باعث بیماری پوستی و ریوی می‌گردد و استنشاق آن ممکن است عوارض نامطلوبی بوجود آورد، لذا خواهشمندیم این نقیصه را در آن جریده محترم منعکس فرمائید. درضمن یادآور می‌شویم که طی صورتجلسه‌ای در مورخه ۷۷/۳/۱۶ مراتب به ادارهٔ کل محیط زیست استان بوشهر ارسال گردیده است.

وعده‌های انتخاباتی چه شد؟!

● سعید بزرگزاده

با عرض سلام حضور محترم آقای خواجه‌پور نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی. با توجه به اینکه یکی از شعارهای تبلیغاتی شما در انتخابات مجلس این بود که اگر مردم به شما رأی دهند برای مردم خطوط راه‌آهن زده می‌شود و با عطف به این نکته که راه‌آهن برای بوشهر از نظر اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و همچنین در مورد لوله کشی گاز، که این کمال محرومیت مردم بوشهر را می‌رساند که گاز در چند کیلومتری آنها وجود دارد ولی خود مردم بوشهر از آن بی‌نصیب هستند. آیا اینقدر باید از قانع بودن مردم بوشهر سوءاستفاده شود؟ آخر چه کسی باید برای محرومیت‌زدائی این استان کوشش کند جز شما که نماینده این استان هستید و باید این نکات را در مجلس گوشزد کنید و درددل مردم را به گوش مسئولان برسانید. به امید تلاش هر چه بیشتر شما در مجلس و فردای بهتر برای استان بوشهر.

نسیم جنوب

تحریم جشنواره تئاتر استانی توسط هنرمندان نمایش گناوه

انتقاد هنرمندان گناوه از مسئولین فرهنگ و ارشاد اسلامی

عده‌ای از هنرمندان نمایش شهرستان گناوه در یک نامه سرگشاده ضمن انتقاد از مسئولین فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر اعلام نمودند تا زمانی که گامهای نسبتاً مؤثری درخصوص رفع مشکلات فعلی هنرمندان نمایش این شهرستان برداشته نشود، از حضور در جشنواره تئاتر استانی خودداری می‌کنند در قسمتی از این نامه آمده است:

هنرمندان نمایش شهرستان گناوه همانند سایر هنر مندان کشور با بضاعت اندک و دست خالی و نهایت کم‌توقعی اما با قلبهایی مملو از عشق به هنر اسلامی چند سالی در یک بندر محروم که خود جای فصلها قلم‌فرسایی دارد خانواده‌ای کوچک و صمیمی شکل داده‌اند و رسالت و وظیفه خطیر خود را تا آنجا که زمان و مکان و موقعیت به آنان اجازه می‌داد به انجام رساندند.

اما چه جای تأسف که هنر نمایش در این شهرستان نه تنها راه یافته خود را محکمتر ادامه نداد بلکه بنا به مسائل متعددی که جهت روشن شدن اذهان ذکر می‌گردد دچار یک رخوت و رکود در امر نمایش شد، که این جوانان با دلی شکسته و ناامید بر آن شدند تا چرخ این گردونه را دوباره به حرکت درآورند اما قبل از آن جهت تثبیت موقعیت نمایش در این شهرستان که به انصاف در این چند سال اخیر همپای مرکز استان به پیش رفته مسئولین ذیربط را جهت این امر مهم آگاهی بیشتر بخشیده و دست تبادل نظر و آراء به سوی صاحبنظران دراز می‌نمایند.

الف ـ نکته‌ای که در این میان به چشم می‌آید عدم حضور مسئولین فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، حتی برای یکبار هم که شده در شهرستان جهت بررسی اوضاع و احوال و تشویق هنرمندان این دیار بوده است ، تا آنجاکه همین بی توجهی و بی‌مهری مسئولین موجبات دلسردی را فراهم آورده و خود یکی از دلایل قوی و مستدل است که در طول این یکسال زمینه عدم حضور با نشاط هنرمندان را ایجاد نموده است.

ب ـ دومین مسئله‌ای که شایان ذکر است عدم تخصیص بودجه مشخص بر خلاف سنوات قبل به انجمن نمایش جهت بسط و گسترش فعالیتهای نمایشی اعم از تشکیل گروههای نمایشی،کلاسهای آموزشی و ... که تماس مکرر با مرکز هنرهای نمایشی به قولی بودجه‌های تخصیص‌یافته با توجه به فعالیت انجمنها به مرکز استان ارسال شده ولی متأسفانه آنطور که باید وشاید با برنامه‌ریزی صحیح در اختیار هنرمندان شهرستان از جمله گناوه قرار نگرفته است.

ج ـ مسئله دیگر بروز مسائل حاشیه‌ای در زمان برگزاری جشنواره‌های تئاتر استانی درخصوص گروههای شهرستانی است که از نگاه هیچ انسان منصفی به دور نیست.

ما نمی‌خواهیم بیان کنیم که در نقاط دیگر مشکلات نمایش وجود ندارد بلکه بسیار است، اما در این بندری که استعداد شکوفایی هنر نمایش بوضوح و در عمل دیده شده است چرا بابی‌برنامگی مواجه شود و بذر نشکفته هنر جوانان در این دیار محروم قبل از بارور شدن لگدمال می‌گردد؟

لذا ما هنرمندان نمایش شهرستان گناوه ضمن احترام به قانومندی جامعه از مسئولین ذیربط و شخص جناب آقای ابطحی مدیر کل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی مصرانه خواهانیم تا با همکاری معاونت محترم آن اداره وضعیت نابسامان فعلی را سامان بیشتری بخشیده و بابی را بگشایند تا هنرمندان مشکلات خود را جهت چاره‌جوئی به نحو مطلوبتری ارائه نمایند و حضور امیدوارکننده وی را هر چه سریعتر در شهرستان خواهانیم و بر این اتفاق نظر داریم تا زمانیکه گامهای نسبتاً مؤثری درخصوص رفع مشکلات فعلی برداشته نشده از حضور در جشنواره تئاتر خودداری کنیم.

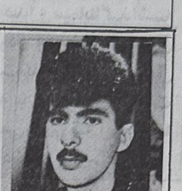
کدام مهم است: کیفیت یا کمیت؟

انتقاد به جشنواره کارگاهی حوزه هنری بوشهر

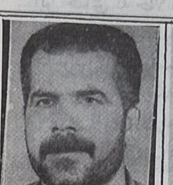
یکی دو هفته پیش بود که جشنواره تئاتر کارگاهی برگزار شد و تنها چیزی که ما در این جشنواره ندیدیم تئاتر بود به استثنای یکی دو کار، چیزی که خیلی تعجب برانگیز بود شرکت ۱۲ گروه نمایشی در این جشنواره بود و معلوم شد که آقایان حوزه هنری دغدغه اصلیشان شلوغ کاری است و بیشتر به کمیت فکر می‌کنند تا به کیفیت. پیش خودشان فکر کرده‌اند که کارخانه است که تولیدش بیشتر کنند تا سودش هم بیشتر شود. اما همه پیش‌بینی حضرات برعکس از آب درآمد چرا که در طول اجرای نمایشها دو حالت به تماشاگران دست میداد، یا خمیازه می‌کشیدند و یا خنده می‌کردند مخصوصاً در نمایشهای فی‌البداهه که بعضی از گروهها رسماً جنگ شادی برپا می‌کردند. آخر یکی نیست که به این آقایان بگوید چه ضرورتی دارد گروههایی که با الفبای تئاتر آشنائی ندارند را در جشنواره راه بدهید و بعضی‌ها که تازه به تئاتر علاقمند شده‌اند خیال کنند تئاتر همین است که دلقک‌بازی دربیاورند.یا روی صحنه زارشان بگیرد و این مضحک بازیها را به جای تئاتر به خورد تماشاگران بدهید. آقایان محترم این تئاتر که الان به اینجا رسیده آدمهایی برایش خون دل خورده‌اند و زجر کشیده‌اند.آقای علی غلامی و رمضان امیری حتی یک اتاق تمرین نداشتند و در خیابانهای ساحلی تمرین می‌کردند. حاج‌آقا زم و تعدادی کارگردانان را دعوت می‌کنید تا اسم حوزه هنری در شهر بپیچد، چرا حاضر نشدید یک جلسه پرسش و پاسخ بگذارید تا هنرمندان مشکلاتشان را خودشان به آنها بگویند و تنها هنرمندان شدند مستمع، ولی حاضر نشدید تا هنرمندان نیز مشکلاتشان را با وی در میان بگذارند. جشنواره‌های حوزهٔ هنری همیشه با مشکل روبرو بوده و تنها چیزی که در چند سال اخیر در جشنواره‌ها بود صداقتش بود که آن هم در حال کم‌رنگ شدن است. در جشنواره سوره شاهد بودیم که چگونه حق گروه «سمفونی حیات» پایمال شد و خود حوزه در عرض یک هفته یک نمایش از بایگانی بیرون آورد و به جشنواره منطقه‌ای رفت. آقایان حوزه هنری شما دارید تئاتر این شهر را به بیراهه می‌کشید. ● امضاء محفوظ

جشنواره فجر محلی برای کشف استعدادها

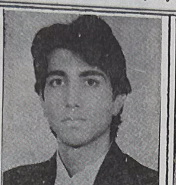
به بهانه آغاز دهمین جشنواره فجر استان بوشهر



یونس حیدری
کارگردان «مرجان»



مرتضی فیروزی
کارگردان «اسب بی‌سوار»



علی ایزدجو
کارگردان «آلام»



حیدر مظفری
کارگردان «اژدهاک»



محسن عبدالهی
کارگردان «دلیلی‌برای مردن»



رامتین مرادی
کارگردان «افسانه لیان»

با نگاهی گذرا به خطوط اصلی تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم به عینیت درخواهیم یافت که هنر نمایش اگر چه در دورانی پر تعصب با فراز و فرودی دشوار همراه بوده اما به هر طریق هنرمندان با طرح ذوق و سلیقه و فراصت بر امید و انتخاب اشکال گوناگون از فرمهای نمایشی دست به تولید آثاری شگرف زده‌اند. هر چند جز در شعر پارسی، بقیه فرهنگ ایران در قالب شفاهی می‌تواند تبلور یابد، چرا که دیوان سالاری آنچنان غرق در اباطیل و اندوخته‌های مالی خود بوده که هرگز مجال تفکر و تعقل به پدیدهٔ هنر نمی‌یافته و به طبع از هنر نمایش نیز جز در زمینه لودگی حمایت نمی‌کرده است و پیامد آن نیز همین قدر بس که هنر در میان عامهٔ مردم هرگز نتوانست وجهی بیابد.اما هنرمند با ذوق ایرانی که در اوج گمنامی به سر می‌برد تنها به مدد عشق پایه‌ریز یکی از بدیع‌ترین اشکال نمایش شده و هر زمان که خواسته توانسته این شکل بدیع را متغیر کند.مثلاً گاهی در تعزیه آمده و زمانی دیگر در نمایش شاد و عامیانه جلوه نموده،هر چند در این مجال اندک نمی‌گنجد همهٔ حرفها گفته شود، زیرا هر یک از این اشارات خود جای بحث و گفتگو و تشریحی مجزا دارد اما بر آن شدیم تا رنجها و مرارتها و آلام هنرمند ایرانی را به زبانی خیلی ساده بیان کنیم هنرمندانی فرهیخته که از چنان مبانی نظری و آگاهی وسیع برخوردارند که لابد هرگز به دست یافته‌های فرهنگی سرزمین خود پشت پا نخواهند زد و این فرهنگ را چون گوهر گرانبها در آغوش خواهند گرفت. با آمدن پائیز جشنوارهٔ سراسری نمایشی استانی فصل پرشور فعالیتهای نمایشی خود را آغاز می‌کند. برگزاری جشنواره از این دست که به همت همهٔ هنرمندان متعهد و مسئول رونق می‌یابد جای مباهات و خرسندی دارد و هر سال امید تحول و ابداع در آن مشاهده می‌شود و برای ترغیب نسل جوان و کشف استعدادها حتماً پیامدهای گرانقدری در پی خواهد داشت. از نتایج این گردهم آمدنها این است که پیوندهای بومی و قومی ریشه می‌گستراند و زمین تئاتر پرقوت می‌شود و آبستن ماجراهای تازه می‌گردد، حالا اگر استقبال چشمگیر و پرشور مردم هنردوست را بر آن بیفزائیم ادعا کامل می‌شود، در این چند روزه جشنوارهٔ استانی نمایش حیات دوباره می‌یابد و حرف و حدیث فراوان بر زبانها جاری می‌گردد. هفته نامه نسیم جنوب پیشاپیش به استقبال جشنوارهٔ دهم می‌رود و با معرفی مختصری از نمایشها، خسته نباشیدی به دست‌اندرکاران و گروههای هنری می‌گوید:

اژدهاک

کاری از بچه‌های گناوه

نویسنده: بهرام بیضائی / کارگردان: حیدر مظفری./ بازیگران: جهانشیر یاراحمدی، شعلهٔ عباسزاده، وحید امین‌زاده، خانم بامنیری، احمد مظفری، فروغ عباسزاده، الهه امین، جواد متین، مریم آتشچی، مهدی عباسزاده./ آهنگساز ـ اکبرابراهیمی،سعید احمدی.

سخنان کارگردان: * این نمایش ماحصل تمرین ۴ ماههٔ ماست. * متأسفانه برای اجرای نمایش سالن سازمان تبلیغات اسلامی نمی‌تواند محل مناسبی برای اجرا باشد./ * نمایش برگرفته شده از شخصیتی افسانه‌ای است به نام «اژدهاک» و می‌شود گفت که یک حکایت تاریخی است./ * جشنواره فجر امسال می‌تواند محل تجمع نیروهای جوان و تداوم برنامه‌های هنری نمایشی بچه‌های استان باشد و از نظر کیفیت نمایشی فکر کنم جشنوارهٔ نسبتاً خوبی خواهیم داشت./ * نمایش «اژدهاک» عصر سه‌شنبه در سالن سازمان تبلیغات اجرا می‌شود.

اسب بی‌سوار

عبدوی جط می‌آید

نویسنده و کارگردان: مرتضی فیروزی/ بازیگران: غلامحسین بارونی، احمد مظفری، علی خورموجی، اصغر فرامرزی، محمدرضا مظفری، خانم مظفری، خانم گره‌بندی

سخنان کارگردان: * روی هم رفته در حدود چهار ماه است که به تمرین نمایش مشغول هستیم ولی تمرینات مستمر در حدود ۲ ماه می‌شود و ان هم به دلیل کمبود سالن برای تمرین بود که این مشکل همیشه گریبانگیر ما بوده است و هر روز مثل گربه‌ای که بچه‌هایش را از جایی به جایی می‌برد و هفت جا عوض می‌کند از این سالن به آن سالن آواره بودیم./* مشکلا ت ما در طول تمرین نداشتن امکانات مناسب و هزینه بسیار و کمک ناچیز بود.اداره فرهنگ و ارشاد بوشهر تاکنون هیچ اقدامی انجام نداده است بجز مقدار کمی کمک مالی که آن هم جائی را نمی‌گیرد ولی من از انجمن نمایش گله دارم که هیچ کاری برای کمک به گروهها نمی‌کند./ * موضوع نمایش از شعر «ظهور» استاد گرانقدر منوچهر آتشی گرفته شده است و یکی از دلیرمردان استان را مطرح می‌کنیم و زندگی دلاوری را به تصویر می‌کشیم که در حدود ۸۰ سال پیش زندگی می‌کرده است./ * من معتقدم که جشنواره باید در اختیار تئاتر باشد و نه تئاتر در اختیار جشنواره که هم اکنون در استان ما کاملاً مسئله برعکس شده است ولی امید دارم که جشنوارهٔ امسال از نظر کیفیت برگزاری بهتر از سالهای قبل برگزار شود./ * «اسب بی‌سوار» عصر دوشنبه در سالن تبلیغات به معرض اجراگذاشته می‌شود.

افسانه لیان

بیاد حماسه سازان و قهرمانان

نویسنده و کارگردان: رامتین مرادی/ بازیگران: رامتین مرادی‌بالف، جوهر تنگستانی، صادق سعیدی، هادی ارشدپور، آسیه سعیدی، لاله عوضی، احمدرضا بحرانی، شهاب صفری./ همسرایان: محمد فاضل، محمود بخشی، محمود صداقت، اسماعیل ملاح‌جوان، حمید خسروی، امین پورمحمد، سمیه ابراهیمی، منیره فراشبندی، شیما جوادپور، زیبا گرمسیری، زیبا غلامحسینی‌فرد، پونه روشن‌قیاص، فاطمه کاویانی‌زاد، لیلا نوروزی، افسانه غلامحسینی‌فرد.

سخنان کارگردان:* با توجه به وقفه‌ای که در طول تمرینات ایجاد شد حدوداً پنج ماه به تمرین نمایش اشتغال داشتیم./ * موضوع نمایش افسانهٔ لیان در رابطه با حماسه‌سازان،قهرمانان و مردم مبارز این خطه و دفاع از ارزشهای دینی خودشان بوده است ./ * در این نمایش سعی شده است که به شکلهای سمبلیک به نوعی با استفاده از ملودیهای بسیار جذاب بوشهری مفاهیم و ارزشهای فرهنگی این شهر به مخاطب ارائه شود./ * خوشحالم که امسال سالی است که اغلب جوانها این جشنواره را در دست‌گرفته‌اند و انشاءالله که موفق باشند./* با توجه به اینکه مسئله مشکلات و امکانات و ... چیز مرسومی است و همه ساله در پی جشنواره‌های مختلفی که برگزار می‌شود همیشه ما با مشکلات و عدم امکانات روبرو هستیم ولی جا دارد من تشکر صادقانه و خالصانه خودم را نسبت به همکاریهای صمیمانه و بیدریغ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر داشته باشم (البته در مورد کار خودم عرض می‌کنم)/ * افسانه لیان عصر پنجشنبه ساعت ۶ در سالن روباز ارشاد اجرا می‌گردد.

آلام

فقط به عشق تئاتر

نویسنده: داریوش یاسین‌زاده./کارگردان: علی ایزدجو/ بازیگران: عبدالرسول ایزدجو، سیداحمدرضا علوی، سابرین عبدیشو، سوفیا عبدیشو، مریم باغکی.

سخنان کارگردان: * سه ماه مشغول تمرین نمایش هستیم/ * به طور کلی موضوع نمایش تشکیل شده از خانواده‌ای که کشمکشهای روز دنیای غرب را به تصویر می‌کشند./ بزرگترین مشکل ما نبودن سالن مناسب برای تمرین نمایش بود که بارها به ارشاد و فرهنگ اسلامی مراجعه کرده‌ام که هیچگونه همکاری با ما نکرده‌اند و هیچکس در طول تمرینات از طرف ارشاد سراغی از ما نگرفت./ *اینطور که پیداست از نظر کیفیت نمایشی امسال یکی از جشنواره‌های خوب فجر را پیش‌رو داریم ولی متأسفانه از نظر کیفیت اجرائی سالن سازمان تبلیغات به هیچ وجه نمی‌تواند جای مناسبی برای اجرای نمایش باشد./ * برای بهتر شدن جشنواره پیشنهاد می‌کنم زمان جشنواره را بیشتر کنند و از حالت فشردگی در آورند مثلاً ۶ نمایش را می‌خواهند در مدت ۵ روز تمام کنند./ * ما بچه تئاتریها فقط به خاطر شوق و انگیزهٔ خودمان است که کار می‌کنیم و مسئولین به ما نمی‌رسند و به گروهها اهمیت نمی‌دهند و از کلیهٔ گروهها خواهش می‌کنم به هر نحو با این مشکلات بسازند و چراغ تئاتر استان را روشن نگه دارند./ * نمایش «آلام» روز یکشنبه همزمان با افتتاح جشنواره اجرا می‌شود.

دلیلی برای مردن

برازجان همچنان فعال

نویسنده: حنیفی/ کارگردان: محسن عبداللهی/ بازیگران: شهرام زنگنه، بیژن چوبینه، روح‌الله رضازاده، کریم‌رضازاده، جاهد شمس‌عالم، ارسلان رحمانی.

سخنان کارگردان: * امسال نیز شهرستان برازجان مانند سال گذشته با شرکت دو نمایش همچنان فعال نشان می‌دهد/ * نمایش «دلیلی برای مردن» صبح پنجشنبه ساعت ۸ در سالن سازمان تبلیغات اجرا می‌شود.

مرجان

از بیور اسب تا مرجان

نویسنده و کارگردان: یونس حیدری/ بازیگران: سیدمجید حسینی، محمدرضا فیاض‌فر، مجید بهروزی، مریم رنجبر

* یونس حیدری پس از نمایشهای «بیور اسب» و «آدم، آهن، آتش» اینک سومین کار خود را به نام «مرجان» برای جشنوارهٔ فجر آماده دارد./ * نمایش «مرجان» بعدازظهر چهارشنبه ساعت ۴-۶ در سالن سازمان تبلیغات به اجرا گذاشته می‌شود.

کانون تئاتر بوشهر در دانشگاه آزاد

روز ۲۴ آبانماه برای اولین بار کانون تئاتر دانشگاه آزاد اسلامی در بوشهر تشکیل گردید. در این نشست ابتدا دکتر امامی در باره رسالت هنر در نظام اسلامی سخن گفت و از دانشجویان خواسته شد تا چراغ صحنه را روشن نگه دارند. سپس رئیس دانشکده علوم انسانی در این راستا سخنرانی کرد. استاد بامداد یکی از اساتید رشته هنر و از افراد مؤسس این کانون، رئوس برنامه‌های کانون تئاتر دانشگاه آزاد اسلامی را برشمرد و بر تشکل دانشجویان هنر تأکید ورزید. به همین منظور مقرر گردید که چندین گروه نمایشی بصورت (رپرتوار) اجراهای مختلف خود را آغاز نمایند و بخشهای کانون تئاتر در آینده کار خود را شروع نماید. در پایان جلسه سه تن از دانشجویان پیشکسوت تئاتر،احمد آرام، علی اکبر فرجی و علی قربانی سرپرستی و هماهنگی کانون تئاتر را بعهده گرفتندو جهت انسجام بخشیدن به این حرکت آمادگی خودرااعلام نمودند.

دست مریزاد و مرحبا به عشقتان

در حاشیه جشنوارهٔ تئاتر کارگاهی حوزهٔ هنری

● شاهرخ سروری

چقدر عاشقی خوب است/ و چقدر پاکی ستودنی است/ عشق به حرکتی پاک و بی‌آلایش. سه‌شنبه‌ای پرعشق که نورباران بود و مطهر دعوتمان کردند تا شاهد حرکت عاشقانهٔ پاکدلانی باشیم که ضربان قلبشان دلنشین‌ترین زخمهٔ فروتنی بود بر تار پاکی‌ها. دیدم و «دیدی که چگونه» نغمهٔ «بودن و سرودن» را که «ازل تا ابد» است در این «دیار آشنا» «استاد»انه به شیرینی «رویا»ی «لیلی» سردادند. چه نغمهٔ جانبخشی، برای آنکه بدنبال «آهون ور» باشی باید به «زار» عشق مبتلا شوی. و من که «مسافر» بودم و تشنهٔ پرواز «آخرین مدل پرواز» را در میان شما تجربه کردم و این تجربه چه «ژرف» بود و عمیق. و دانستم ما زنده به آنیم که آرام نگیریم/ موجیم که آسودگی ما عدم ماست و اینک در مقابل این همه عشق و پاکی

این قلم و این زبان قاصر است، دست مریزاد و مرحبا به عشقتان.



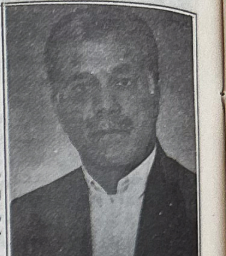
گروه موسیقی بندرنشینان بوشهر در تایلند

در ماه گذشته گروه بندرنشینان بوشهر پس از آنکه یک کنسرت یک هفته‌ای در کشور امارات متحده عربی و در شهر دبی و در باشگاه ایرانیان به اجراگذاشت و مورد توجه ایرانیان مقیم دبی و کلیه هنردوستان قرار گرفت به دعوت سفیر ایران در تایلند و شاهزاده خانم تایلند به تایلند و پایتخت این کشور بانکوک سفر کرد. این گروه در آن کشور دو اجرا داشتند و مورد توجه شاهزاده خانم تایلند واقع شد و از طرف دولت تایلند یک لوح تقدیر به این گروه اهداء شد. شاهزاده خانم تایلند عضو هیئت رئیسه زنان ملل مسلمان است که جشن تایلند را بخاطر میلاد حضرت علی (ع) در تایلند ترتیب داده بود. اجرای این گروه در بزرگترین هتل تایلند بود که عدهٔ کثیری از مقامات رسمی و دولتی تایلند نیز در آن جشن شرکت داشتند. قابل ذکر است که این گروه بعد از هشت روز که در کشور تایلند بود به دعوت سفیر ایران از اکثر آثار باستانی و جاهای دیدنی تایلند دیدن نمودند.

اعضاء گروه بندرنشینان بوشهر عبارتند از: محمود پولادی (جهان) ـ سرپرست و خواننده / کریم ادریس‌پور ـ نوازنده نی‌انبان / عباس چماچم ـ نوازنده ضرب و تیمپو / حسین کشتکاربوشهری ـ نوازنده دمام/ جمشید دادخواه ـ نوازنده درایه زنگی/ حسن جهان ـ شاعر گروه

حسین نوری فیروزی شاعر محلی بوشهر:

من برای زنده نگه‌داشتن واژه‌های بومی شعر می‌سرایم



حسین نوری فیروزی را با کتاب «دغاله» می‌شناسیم. طبیعت وحشی و خشن جنوب چنان به اشعارش گره خورده که انسان هنگام بازخوانی یک شعر از ایشان احساس می‌کند میان نخلستانها یا کنار دریا و یا ... دارد قدم می‌زند. براستی این ویژگی را تنها در اشعار محلی - این شناسنامهٔ فرهنگ غنی ما - باید جُست. به پاس حرمت نویسندگان و اهالی قلم استان بوشهر به سراغ ایشان رفتیم، آنچه در ادامه می‌آید پاسخ این عزیز به سؤالات ما درباره شعر محلی است. «سرویس ادبی نسیم جنوب»

□ در شروع مصاحبه بفرمائید که چه عواملی باعث شد که شما به محلی سرایی روی آورید؟!

● زمانی که مشغول خدمت سربازی بودم می‌دیدم هر گروهی با گویش خاص خود صحبت می‌کنند و لهجه مخصوص به خود دارند. این نقطه شروعی بود که مرا به این حیطه کشاند و باعث شد به شیوه بومی بسرایم. اما ناگفته نماند که قبل از اینها جناب آقای محمد بیاتی شعر «بهار» را سروده بودند که مورد استقبال مردم قرار گرفته بود و این شعر مرا به نوشتن شعری به همان سبک و سیاق ترغیب کرد...

□ تفاوت شعر محلی با شعر به گویش محلی چیست؟

● شعر فولکوریک به اشعاری اطلاق می‌شود که از قواعد خاصی پیروی نمی‌کنند یعنی مقررات و اصول شعری در آنها رعایت نشده. اینها عموماً سینه به سینه گشته تا به ما رسیده مثل «اسغون ری شاخ گو وردار و برو» که فقط یک حالت ریتمیک دارد و در آن از قواعد اشعار کلاسیک خبری نیست. اما در شعر به گویش محلی، قواعد و مقررات صنایع شعری کاملاً رعایت می‌شود و هدف اصلی این اشعار ارائه واژه‌هائی است که یا گم شده‌اند (به دلیل عدم تکرار) یا اگر هم تکرار شود یک حالت سطحی دارد و کسی با آنها به صورت عمقی برخورد نکرده و به ریشه‌های آنها توجه نکرده‌اند.

□ زنده نگه داشتن «واژه» به عهده شاعر است یا محقق و لغت‌نامه نویس؟!

● به عهده همه هست. هر کس باید برای زنده نگه داشتن هنرش از اصالت خود دفاع کند. آیا نویسنده بوشهری نباید از واژه‌ها و اصطلاحات بومی‌اش استفاده کند و آنها را زنده نگه دارد؟ من فکر می‌کنم که هرکس باید با هنر و فن‌آوری خود برای حفظ و اشاعه فرهنگ محلی که در آن زندگی می‌کند تلاش کند.

□ آیا اشعار فولکوریک ادامه شعر به گویش محلی است که مثلاً به دلیل اینکه مکتوب نشده‌اند و سینه به سینه گشته‌اند از حالت اولیه افتاده و به یک زبان ریتمیک درآمده‌اند یا اصلاً این شیوه - فلوکلوریک - یک نحله در ادبیات ما بوده است؟!

□ من تحقیق جامع و کاملی روی این موضوع نداشته‌ام ولی این صحبت شما را می‌پذیرم که شاید در آینده اشعار را تغییر دهند و به یک چیز دیگر غیر از آن چه شاعر سروده تبدیل شوند. متاسفانه هنوز نتوانسته‌ایم منابعی پیدا کنیم که برای ما ثابت شود که آیا این اشعار به گویش محلی بوده‌اند یا نه ... البته ممکن است یک هجا وسط شعر محلی افتاده باشد که شاعر و محقق این امر باید آن شعر را معماری کند. اما همین‌طور که قبلاً اشاره کردم، من در شعر این کار نکرده‌ام اما در موسیقی اینها را انجام داده‌ام. متأسفانه هنوز فرصتی دست نداده تا این کار را دنبال کنم. ناگفته نماند که خط فکری من چیز دیگری است و آن این است که باید واژه‌ها و گویشهای بومی را به مردم معرفی کنم و مثلاً به آنها بگویم که «پیلسوک» یعنی «پرستو». یادم می‌آید بعد از چاپ کتاب «دغاله» چند نفری به من گفتند که «کرمجی» یعنی چه و من به آنها می‌گفتم که به بچه شتر کُرمجی می‌گویند.

بونه کم بگیر اشتر می‌ارم دم خونه
موسی اشتر توسی کرمجی ساربونی کن

وقتی مردم ما نمی‌دانند که کرمجی چیست من چطور می‌توانم این نوع سرایش را کنار بگذارم و بروم در آن موردی که شما اشاره کردید تحقیق کنم. البته شاید بعد از چاپ کتاب دومم، «تارمه‌های رو به دریا» این کار را ادامه دادم.

□ هدف شما از سرودن شعر به گویش محلی چیست؟ آیا می‌خواهید این شیوه را برابر اشعار کلاسیک قرار دهید یا...؟

دل مو باز یار رنج و دردن
رخم چون خارک مکتیب زردن
مثال تساره بسو داده نخل
تن مو غرق اندر خاک و گردن
***
دلا ای ناخدا بیدم چه میشد
رفیق جاشوا بیدم چه میشد
دِم صبح تو هوای گرگ و میشی
ری دریا یا شراع بیدم چه میشد
***
میون نخل و دریا منزلم بید
ری خشکی عشق دریا تو دلم بید
خشن سی چاس ظهر تو سیریدان
کواف و نون گرم بیلیلم بید
***
هوا آروم و قیلون چاغن امشو
ستارهٔ ری سرُم براقن امشو
چراغی ببخ بندر گشته پیدا
سی بندرگه دلُم مشتاقن امشو

● من هدفم این نیست که خودم را برابر شعر دیگران یا شعر پارسی قرار دهم آنچه که الان مشخص است این است که حرف زدن در قالب شعر بهتر و بیشتر به دل مردم می‌نشیند. من در پی زنده کردن زبان مردم این منطقه هستم، باید واژه‌ها و اصطلاحات را زنده نگه دارم تا به نسل بعد برسد. مردم هم در این رابطه خیلی مرا تشویق می‌کنند چون آنها علاقمند زبان خودشان هستند خوب استاد شهریار هم به لهجه ترکی زیباترین شعرش را می‌سراید. شیون فومنی هم در شمال این کار را می‌کند. البته غیر از من شاعران دیگری هم هستند که به عنوان تفنن این کار را می‌کنند اما من برای زنده نگه داشتن واژه‌ها و اصطلاحات بومی شعر می‌سرایم. تا نسل بعد هم بداند که زبان اصلیش چه بوده. این را باید همواره به خاطر داشت که ما باید به آنچه داریم افتخار کنیم. عده‌ای فکر می‌کنند که آنهایی که اینگونه می‌سرایند واپسگرا هستند، که این کاملاً اشتباه است. ما نباید فکر کنیم که فرهنگمان پائین است، بلکه باید به فرهنگ خود علاقمند باشیم و به آن ببالیم، پس حالا که این گونه است چرا نباید سندیتی از فرهنگمان را برای آیندگان به جا بگذریم. کار من این است. من دارم بار بسیار سنگین فرهنگی این کار را انجام می‌دهم.

فاصله

● مریم زارعی

[illegible] لبخند گرفته‌ای بهت زل زده، یه لبخند ملایم از طرف کسی از اونور آینه آشنائیتو تضمین می‌کنه. بی‌حوصله رو تو برمی‌گردونی، یه بار دیگه و اینبار یه نگای معمولی، هنوزم لبخند رو لباش بهش می‌یاد. و می‌خواد بگه از آشناهاس نمی‌ذاری تمومش کنه: یه آشنایی خیلی بیکار! هنوزم اشباح سیاهی جلوت رژه می‌رن، این دفه تو استکانای چیده شده رو میز. انگار حکومتش مادام‌العمره. استکان سفید چایتو بین استکانای رنگی سفید باقی می‌ذاری، اونو غریبه‌اش می‌کنی مث صندلی خالی - مونده‌ات پشت میز، تنها رهاش می‌کنی و بیرون می‌یای. از کوچهٔ خونه‌تون می‌گذری. ردیف خونه‌های صف کشیدهٔ بی‌تناسب دو طرفت تموم نشده که نگاهها و حرفهای غریب ترو نامفهوم از راه می‌رسن، پرسه‌زنان دورت می‌چرخن. همه‌شون در هم گره می‌خورن و یه فرصت تا از مهلکه فرار کنی و فرار می‌کنی. تو خیابونی می‌پیچی. قدمهات رو زمین غریبی می‌کنن. در امتداد خیابان، در سرتاسر تنها یک خط چین پهن و عریض سفید بر زمین نشسته که تو بهش می‌رسی، اینجا برای چند دقیقه یا شاید فقط چند ثانیه میان تو و دیگران چیزی به حداقل خود می‌رسد، رو به تقلیل می‌گذارد، در هنگام عبورت با عابران از خط چین سفید این خطوط سفید عزیز! برای چند لحظه‌ای به تو لطف می‌کنند ای غریبه‌های بینوا. تو شکستگی زودرس خط جداکننده را احساس می‌کنی؟ به آخرین خط چین سفید قدم می‌گذاری،

همراه با چند عابر وارد می‌شوی فقط در یک قدم دیگر مشترکید، بعد دیگر خروج از همه چیز و پایان آغازی چند لحظه‌ای. هر عابری به سویی می‌رود، همان طوریکه هر یک از سویی به خط چین سفید قدم گذاشتند، خط جداکننده با ترمیم خود سعی می‌کند از گسستگی مقطعی به پیوستی دائمی برسد، حس می‌کنی بسرعت رشد می‌کند. معلوم نیس چرا بیرون آمدی برای مرور تکراری‌ها. اوه چه تفریح دردآوری. برمی‌گردی از راهی که آمدی همان خیابان و همان کوچه را عقب‌گرد می‌کنی ناچاری همه چیز را دوباره دور بزنی. در تو چیزی شدت می‌گیرد، به خانه می‌رسی استکان سفید چایت و صندلی خالی مونده‌ات سرجاشون هستن، همون طوریکه رهاشون کردی. تو آینه یه لبخند ملایم از طرف کسی از اونور هنوزم آشنائیتو تضمین می‌کنه، منتظرته بازم می‌خواد بگه از آشناهاس، تو نمی‌ذاری تمومش کنه: یه آشنای خیلی بیکار با یه لبخند قبیح همیشه آماده!

سیاهی ناملموسی که از پنجره به داخل می‌ریزه، مجبورت می‌کنه، به تخت پناهنده بشی و شدی. اینیکی یه وقت از نافذترین نگاه به چشات رخنه می‌کنه و پُرت می‌کنه تا حکومتشو تا صبح کش بده و تو گذاشتی بمونه. به خوابی غریب تن دادی، حالا با بیدار باشی غریب‌تر از تخت کنده می‌شی، هنوزم رگه‌های اون تاریکی غلیظو می‌شه تو چشات خوند.

روبروت

دعوت

● داریوش مؤذنی

نانی،
- تهی از تازگی -
در دستان کودکی،
که آب دهانش،
کفایت خیس کردن ندارد.
کوتاه زمانی،
- مورچه‌ها -
به جشنی بزرگ می‌آیند.

آنقدر که ... تنها روزنی باقی ماند

● لیلا مؤذنی

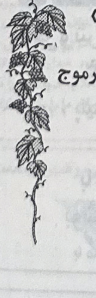
در فراسوی لبانت سخن است
آهنگین
سخت دوست داشتنی
میدانم، میدانم
اگر آن را تو برایم بنوازی
تا ابد سیرابم
تا ابد لبریزم
اما دل سنگین تو هرگز نشنفت،
فریاد نگاهم،
و من، آهسته محو شدم
آنقدر که تنها
روزنی باقی ماند
از پس آن روزن
به گمانم تنها
آنچه پیدا میشد
فراسوی لبانت بودند

در آخرین ...

● محسن دلواری

در آخرین لحظه
به هنگامهٔ انفجار خون
در هجوم تپش‌های هراس
از پنجره‌ای نیمه باز
چشم سیاه مرگ
سَرَک می‌کشد
طیف خاکستری
در زیر بارش ظلمت
اندام شکسته را
محو می‌کند
و موریانه خیال
احساس بودن را
در من تا آخر می‌جَود
و من از وحشت سکوت
زیر دندانهای شب
خرد می‌شودم

«داربست که...»



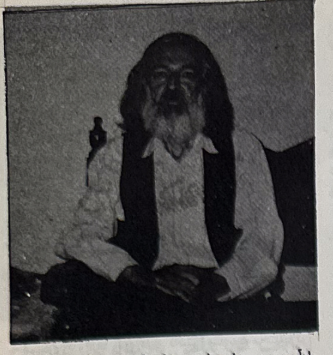
● ماندانا رضوانی - خورموج

داربست که می‌شکند
پیچک به دور اضطراب
می‌پیچد
شبنمی گریه می‌شود
می‌غلتد از آفتاب
تا پای ماه.
پیچک لای خاک
و شبنم می‌میرد.

● فرزاد شجاع (میلاد) - برازجان

خاموش گردیده زمین، تاریک گشته آسمان
با یاد خاموشان زنم، فریادها تا بیکران
غوغای تنهائی ببین، فریاد خاموشم شنو
با من بیا تا آسمان، با من بیا تا بیکران

می‌دونم که با خودم تنها می‌شم
دیگه دارم از خودم جدا می‌شم
بی‌تو تنهائی منو عذاب میده
می‌روم به آسمون رها می‌شم



یادآوری: حسن اجتهادی - شاعر ارجمند معاصر و سخنوری است توانا که آیات زیبائی را آرایهٔ هر شعر کوتاه و بلندش می‌کند و پایان بندهایش درخشان است. آرزوی دیرینه‌ام این است که او به سامانِ سامان دادن دفتر و دیوانش برسد که جای کتابهایش سخت خالی است «م.آ»

سطرهای تابان

برای احمد فریدمند و صفای جنوبی‌اش

● حسن اجتهادی

طپش بیقرار بیتهای معطر
به تمامی برای تو
چرا که عبور می‌کنی
از لابلای کلمات
- رازآمیز -
و تابان تر می‌شود

سطرهایم با صدای تو.
سایه‌های سبکسر
از مسخ سنگ می‌آیند
سایه‌های متفکر پیاده رو
در حجم انسانی خویشند
زاویه‌ها و حاشیه‌ها
لبریز در شب.
تقدیر ابدی عشقم
که هر بار
تازه‌تر رخ می‌نمایم
در رخسار خون.
کمی بعد از نقل حکایت
چهره‌اش را به تمامی دیدم
شرم جنوبی‌اش
مرا بیاد اسکله‌ای می‌انداخت
فرو رفته در شرجی و ...
آه چه بگویم
توفانها و نخلستانها و باد و ...
مشکل راه رفتن
و تنگی نفس
در پیاده‌روهای عصر
رهگذرانی عجول
به بی‌تفاوتی هموار
عبور ندانستن‌های رایج
بعد آمد کنار گوشم حرفی زد
از مردی سراپا آینه
که از سفر جنوب برمی‌گشت.
آن شب هم از جنوب برگشته بود
و به زمزمه‌با من حرفی می‌زد
که سطرهایم تابان‌تر می‌شد.





رویش دوباره:

● مریم آریائی

دیشب شکست، غربت بال کبوترم
وقتی نشست، سینه به آغوش خنجرم
پرواز شعر سبز غریبان شهر بود
پیش از طلوع، وقت تماشای خواهرم
در آخرین نگاه، به دنیای لحظه‌ها
پا می‌زدم به «کوچهٔ متروک» باورم
از کوچه می‌روم که خداحافظی کنم
با سطر، سطر شاعری روح پرورم
من با هزار بغض گلالود می‌روم
سوی امید، یاوردستان بی‌برم
ای آفتاب عشق، دلم در رکاب تو
در رویش دوبارهٔ این جان پرپرم

از همه نیروهایمان استفاده کنیم

● محسن آرمین

از مشخصه‌های جوامع استبدادی یکی مطلق گرایی و دیگری نسبی گرایی می‌باشد. در دید مطلق گرا انسانها به دو گروه خوب و بد یا خیر و شر تقسیم می‌شونداگر نظرهای موافق افرادی خوب و نظرهای مخالف افرادی بد باشد پس او همیشه بد بوده و بد نیز خواهد ماند و فرضاً اگر در آینده تغییری در او بوجود آمد طبق نظریه مکتب استبداد با توجه به پیشینه‌اش فردی بد و اصلاح ناشدنی می‌باشد و هیچ دری برای بازگشت به جامعه به روی او باز نیست. در سالهای اول انقلاب تحت همین تفکر ،بسیاری از افراد را به دلیل داشتن مناصب مختلف در رژیم گذشته از مشاغلشان برکنار کرده و به علت سوابقشان عملاً آنها را به افرادی بیکاره مبدل نمودند که همین امر باعث فرار مغزها به خارج شد. پیامدی که ماز این رهگذر شاهدش بودیم کمبود افراد متخصص در همان سالها بود. امروزه شاهدیم که چگونه بهترین متخصصان ما در خارج از کشور تنها به دلیل سرخوردگی بسر می‌برند. البته اینکه در اول انقلاب باید عناصر فاسد و عاملان اصلی فقر و بدبختی مردم را قلع و قمع می‌کردیم حرفی نیست و بسیار بجا بود ولی اینکه فلان مهندس به دلیل اشتغال در اداره‌ای که رؤسای آن وابسته به دستگاه بودند،به عنصری منفعل تبدیل کردیم جای تامل دارد.در جریان هر انقلابی این قبیل حوادث امری اجتناب ناپذیر است ولی با گذشت زمان و به ثمر رسیدن انقلاب، دربارور کردن انقلاب استفاده از تمام نیروهای موجود امری است شایسته و بایسته.

پس از جنگ مسئولان کشور با تشخیص درست از تمامی نیروهای کارآمد خارج از کشور دعوت به همکاری نمودند و این افراد نیز که جبراً سالها دوری از وطن را تحمل کرده بودند به سوی کشور سرازیر شدند البته به کندی چراکه ترس از بازداشت و شکنجه که عوامل تبلیغاتی غرب از ما به جهانیان داده بودند هنوز آن اطمینان کافی را در آنها بوجود نیاورده بود. در واقعهٔ دوم خرداد که مردم با انتخاب یک روحانی با اخلاص، آگاه، هوشیار و پیرو ولایت فقیه به عنوان رئیس جمهور دست زدند نه تنها پایبندی خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی به اثبات رساندند بلکه با رأی بیست میلیونی خود نشان دادند که اندیشه‌های فرد منتخب خود چقدر با افکار آنها مشابه می‌باشد و بر تمام تبلیغات سوئی که بر علیه ما می‌شد خط بطلان کشیده و حس اعتماد بیشتر به دولت را در ایرانیان خارج از کشور به وجود آورد و هنگامیکه دولت آقای خاتمی از آنان جهت بازگشت دعوت بعمل آورد بدون هیچگونه ترسی با سرعت بیشتری به سوی وطن رهسپار شدند تا تجربیات خویش راکه در تمام این مدت در اختیار بیگانگان قرار داده بودند در سرزمین خویش بکار برند.

نظریه مدیریت عشقی

● احمدرضا وحیدیان‌فرد

کسانی که با علم مدیریت آشنا هستند و با انواع و اقسام نظریه‌های مدیریت، از مدیریت علمی فودریک تیلور گرفته، تا مدیریت کلاسیک سازمان (هانری فایول)، تا بوروکراسی وبر و ... نظریهٔ سیستمها و نظریه اقتضایی آشنایی کامل دارند اما حتماً با دیدن عنوان از عجب انگشت به دهان مانده‌اند! اما اگر کمی صبر کنید این نظریه توجیه خواهد شد و شما با این نظریه آشنا خواهید شد.

در مدیریت اساس کارکردهای آن طبق طبقه‌بندی هانری فایول بر این اساس است که شامل (برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل) است و کسی مدیر موفقی است که این کارکردها را در کار خود برای اداره کردن سازمان استفاده کند و از اصول چهارگانه‌ای که فایول وضع کرده است مدد بگیرد تا مدیر موفقی جلوه کند و یکی از این اصول چهارده گانه ابتکار (به زیردستان باید فرصت داده شود که در انجام وظایف خود تفکر و نوآوری کنند) است که یک مدیر باید با آن مبتکر، منتقد باانصاف (یکی دیگر از اصول مدیریت) رفتار کند.

حال اگر مدیری نه تنها از این قواعد کلی مدیریت استفاده نکند بلکه به هر طریقی خودش صلاح می‌داند استفاده کند از نظریه مدیریت عشقی استفاده کرده است که فقط اسم مدیری را یدک می‌کشد و به کارهای جزئی بسیار اهمیت می‌دهد و خواهان این است که او را در همه جا مورد تحسین قرار دهند و از این طریق افرادی سودجو که در تملق‌گوئی دستی دارند به این کار مشغول می‌شوند و برای خود جایی دست و پا می‌کنند و اما آنهائی که شایسته‌اند و تخصصی دارند چون به این کارها نمی‌پردازند از معرکه رانده می‌شوند و این افراد محترم اگر چه کاری برای جامعه نمی‌کنند اما همین قدر هم که خیانت نمی‌کنندرو سپید هستند. اگر پس از مدتی فردی بلند شود و سنگی در آب بیاندازد که شاید آب راکد نماند تا بگندد، چنان مدیر از این موج نابجا خشمگین می‌گردد که نه تنها حاضر نمی‌شود که آب را در مسیر اصلی‌اش جاری سازد بلکه فرد منتقد زیر دیواری کجی که ساخته رمی‌کند و او را با سنگهای دیوار می‌خواهد غرق کند.

متأسفانه این نظریه را تعدادی از مدیران استان اجرا می‌کنند که خود باعث شده است که استان بوشهر با تمام استعدادهای بالقوه‌اش همچنان در محرومیت بسر برد و چنان که برمی‌آید اگر این روال ادامه یابد تا سالهای سال این انتظار برآورده نخواهد شد که ما نیز استانی آباد داشته باشیم.

اما وظیفه من و شما این است که از کنار این معضلات سرسری نگذریم و گوشزد نمائیم تا شاید گوش شنوائی پیدا شود.اگر چه این کار خالی از توهین و ...نیست اما اگر هم سکوت کنیم گناهکاریم چرا که از حداقل کار که نگاشتن یک نامه به رسانه‌ای است خودداری ورزیده‌ایم و آن هم که با یک «امضاء محفوظ» و اسم مستعاری عملی خواهد شد، پس مسئولیت یک شهروند که از سلامت روانی برخوردار است این است که علاوه بر خود باید به فکر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم نیز باشیم تا با استفاده از این حق مسئول بودن، دین خود را به جامعه نیز ادا کنیم.

انشاءالله

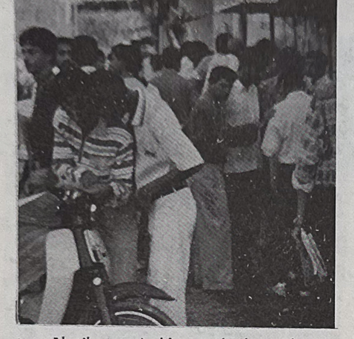
* برای این نوشته از کتاب مدیریت دکتر الوانی و مدیریت عمومی دکتر علاقه‌بند استفاده شده است.

چرا جوانان بوشهری بی آنکه بخواهند پیر می‌شوند؟!

● هادی صالحی‌زاده

اینجانب با نوشتن چند سطری درباره عواملی که جوانان ناخواسته به دام صیادان خوش ظاهر می‌افتند ولی بی‌خبر از آن همه چیز از آئینه تلخ و ناگوار و خطرناک دچار مشکل خیلی بزرگ می‌شوند، بصورت مقاله‌ای به شما خواننده عزیز تقدیم می‌نمایم.قبل از هر چیز از کلیه مسئولین محترم که امروزه رأس کارند استدعا دارم که اجازه دهند جوانان دردها و مشکلات خود را به راحتی بیان نمایند تا خدای ناکرده دچار از دست دادن هویت خود نشوند.

استانی که ما حال در آن زندگی می‌نمائیم یکی از استانهای جنوبی و محروم کشورمان به شمار می‌آید و با اینکه چندین هزار نفر جمعیت در این استان سکونت دارند متأسفانه فاقد امکانات رفاهی تحصیلی، ورزشی و تفریحی می‌باشد و دومین مدرسه تأسیس شده در کشورمان در این استان بوده و با تفاصیل به اینکه اکثر جوانان این استان از استعدادهای فوق‌العاده فراوانی در زمینه‌ها برخوردارند، امروزه مسئولین



محترم این عزیزان رابه دست فراموشی سپرده‌اند. با توجه به اینکه شایستگی جوانان ورزشکار و محصل بوشهری در میادین داخلی و خارجی ثابت شده و مجدداً با توجه به امکانات محدود از نظر بازدهی در حد بالائی قرار دارند که این امر نشان از وجود استعدادهای فراوانی است که در استان وجود دارد و با مقداری توجه می‌توان استعدادهای خوبی را در این استان کشف کرد. حال شاهد هستیم که بیکاری در این استان واقعاً بیداد می‌کند و بعضی از جوانان پاک و نجیب و سربازی رفته مدتها است به دلیل نبودن کار بیکار می‌باشند و به خاطر همین مسئله بیکاری امکان افتادن هزار نوع اتفاق برای آن جوان آسیب‌پذیر است، چون دوران جوانی یک دوره بسیار حساس و پرمخاطره است و فرد جوان نیاز شدید به مواظبت و مراقبت، کنترل و مهار دارد تا اینکه دستخوش انحرافات واقع نشود و از فساد و حوادث مصون بماند.هر کس به نوبه خود احتیاج به راهنمائی دارد.

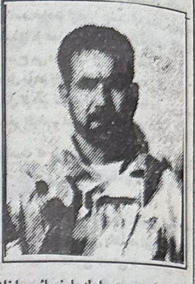
عدم کفایت و صلاحیت در شخص موجب انحراف، گمراهی، تباهی، کجروی و سقوط جامعه می‌شود. در این گیرودار احتیاج نسل جوان به کنترل و هویت است زیرا مغز معصوم دست نخورده و عاری از تجربه نوجوانان وجوانان یک حالت خلل‌پذیری توقع دارد، که در مقابل نقطه ضعف و حساسیتها تحریک شده و او را خام و در نتیجه تباهش می‌سازد. مثلاً استان ما بوشهر، استانی واقعاً محروم از کلیه امکانات ذکر شده است که جوانان این استان هر روز با این مشکل برخورد می‌نمایند. استان بوشهر گذشته از امکانات رفاهی ـ تحصیلی، آموزش، یک تفریحگاه یا ورزشگاه و یک بیمارستان درست و حسابی ندارد چه برسد به کلاسهای آموزشی برای جوانان و نوجوانان که در آن دایر گردد، این استان با چندین هزار جمعیت فقط دارای یک شهربازی و یک سینما است که مرتب به دلایلی تعطیل می‌باشد.

به دلیل نبودن همین امکانات است که استعدادها در این استان رشد آنچنانی ندارد و بی‌توجهی مسئولین است که جوانان و نوجوانان به بیراهی کشیده می‌شوند. نمی‌دانم به چه دلیل است که استان ما در مرکزهای دولتی یا نیمه‌دولتی یا شخصی از اتباع خارجی جهت کار، به کار گرفته می‌شوند ولی از جوانان این استان استفاده نمی‌شود. می توان بجای آن کارگر خارجی، از جوانان تحصیل کرده پاک و نجیب استفاده کرد تا از این راه نیز بتوانیم با یاری حق جلوی فساد و بی‌راهی گرفت و جوان بیشتر به فکر زندگی و تشکیل خانواده بیفتد نه اینکه ـ . بله، جوان تحصیل کرده ما چندین سال شبانه‌روز زحمت کشیده و درس خوانده وکلی هم هزینه تحصیلش شده، به امید اینکه روزی بتواند راحت و آسوده و با آرامش، کار و زندگی کند. ولی متأسفانه امروزه به دلیل نبودن کار یا حقوق متکافی آن جوان مجبور است به کارگری یا به دریانوردی رو بیاورد که لااقل مخارج زندگیش که امروزه سرسام‌آور است تأمین کند تا جلو خانواده و فامیل و ... سر به زیر ـ و شرمنده نباشد.

مسئولین قدری باید به فکر جوانان بیکار این استان باشند تا به بیراهی وگمراهی کشیده نشوند. من خود شاهد آن هستم که خیلی از جوانان این شهر که کار درست و حسابی ندارند و اکثراً متأهل و بیکار می‌باشند و به مواد مخدر روی آورده‌اند از اول که این جوانان معتاد و این کاره نبودند، نبودن کار و امکانات رفاهی، تفریحی، ورزشی این جوانان را به این روز سیاه انداخته است.به نظر شما چرا جوانان بوشهری بی‌آنکه بخواهند پیر می‌شوند و مردم این استان نیز عمر زیادی نمی‌کنند باز هم به دلیل نبودن امکانات ذکر شده بالا. خیلی جوانان این استان که خدمت مقدس سربازی را به پایان رسانیده بیکار می‌باشند و مرتباً شاهد آن هستیم در خیابانها، کوچه‌ها، پاساژها پرسه می‌زنند و اکثر سیگاری یا معتاد و یا مواد فروش شده‌اند.کمتر کسی امروز یافت می‌شود که از خطرات و زیانهای روحی و جسمی و مواد افیونی مخدر بی‌اطلاع باشد. این حقیر از کلیه مسئولین محترم استان بوشهر استدعا دارم که قدری هم به فکر جوانان این استان که از همه چیز محروم‌اند باشند تا به یاری حق و مساعدت شما مسئولین محترم بتوان جلو فساد وگمراهی و تباهی را گرفت و آن را در این استان ریشه کن کنیم.امیدواریم که تمام جوانان عزیز این استان در تمام مراحل تحصیلی وکاری موفق و مؤید باشند و امید است در آینده‌ای خیلی نزدیک به یاری حق، جوانی نداشته باشیم که به دلیل نبودن کار به گمراهی و تباهی کشیده شود تا از این راه نیز بتوانیم به جوانان کشورمان افتخار کنیم و بقیه کشورهای جهان به جوانان برومند کشورمان و شهرمان افتخار کنند.در پایان عرض پوزش از گرفتن اوقات شریف شما خواننده عزیز.

احمد تورانی مربی تیم شاهین بوشهر: رفتار مرحوم علی مصلح در میادین ورزشی زبانزد خاص و عام بود

● به کوشش محسن گنبدی



با کمال تاسف با خبر شدیم که سیدمرتضی (علی) مصلح فوتبالیست بااخلاق، کاپیتان سابق باشگاه ورزشی شاهین بوشهر و مربی منتخب کارگران استان بوشهر هفته گذشته بر اثر عارضه قلبی دار فانی را وداع گفت و جامعه ورزش استان بوشهر را در ماتم خود داغدار نمود.

در این خصوص در رابطه با خصائص اخلاقی و رفتاری آن عزیز از دست رفته با احمد تورانی مربی باشگاه شاهین مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که نظر شما را در ذیل به آن جلب می‌نمائیم:

□ ضمن خسته نباشید و عرض تسلیت به مناسبت درگذشت نابه هنگام مرحوم سیدمرتضی (علی) مصلح بفرمائید ایشان در چه سالی متولد شدند و از چه دورانی وارد باشگاه ورزشی شاهین شدند.

● مرحوم مصلح در سال ۱۳۳۲ در بوشهر در محلهٔ سرتل متولد شدند و از دوران نوجوانی وارد باشگاه شاهین شدند و در تیم جوانان شاهین فعالیت داشت و شغل او نیز آزاد بود.

□ از چه زمانی با ایشان آشنا شدید؟

● ایشان بعد از من وارد تیم شاهین شدند و حدود ۴ الی ۵ سال با هم، همباشگاهی بودیم و سپس بعنوان مربی در خدمت ایشان بودم و آن مرحوم نیز به عنوان کاپیتان تیم همکاری می‌نمود.

□ از نظر اخلاقی و رفتاری ایشان در میدان ورزشی چگونه بودند؟

● مرحوم علی از نظر اخلاقی بسیار بااخلاق و متین بودند. رفتار ایشان در میادین ورزشی زبانزد خاص و عام بود. با تعصب بود و تمام وقتش را در اختیار باشگاه مورد علاقه خود قرار می‌داد.

□ بعد از باشگاه شاهین با چه باشگاههائی همکاری داشتند؟

● مرحوم سیدعلی بعد از اینکه با باشگاه شاهین خداحافظی کرد به تیم توحید بوشهر پیوست و بعد از مدتی بعنوان مربی منتخب کارگران استان بوشهر انجام وظیفه می‌نمود که ایشان حدود ۲ سال در این پست همکاری داشتند.

□ مرحوم مصلح هنگام فوت چند سال داشتند و علت مرگشان چه بوده و در چه تاریخی اتفاق افتاد؟

● مرحوم مصلح حدود ۴۵ سال داشتند و علت فوتشان ناراحتی قلبی بود. ایشان در زمین ورزش کارگران دچار عارضه قلبی شدند که پس از انتقال به بیمارستان روز پنج‌شنبه ۷۷/۸/۲۸ دار فانی را وداع گفت و من از همینجا به خانواده محترم مصلح و جامعه ورزشی استان و دوستان و اقوام آن مرحوم تسلیت می‌گویم.

بیاد سید مرتضی مصلح معناگر عشق در ورزش

● جلیل حیدری

از باشگاه فرهنگی - ورزشی استقلال بوشهر

این همه تجمع، شکوه، شور و نوا در تشییع و ترحیم سیدمرتضی مصلح، بدون تردید بی‌معنا نیست. می توان اظهار داشت که این شور و نوا معنای ژرفی از آمیختگی عشق و ورزش در حیات جمیل زنده یاد سید مرتضی مصلح داشت.

جهت ترقی در ورزش و اهداف بلند آن به عشق و علاقه نیاز است و طیف عشق خود به خلوص، یکرنگی، بی‌ریایی، جوانمردی، تعصب، مردم‌داری و خلاصه کلام در مسیر انسانیت گام برداشتن نیاز دارد. شادروان مصلح با جمیع اوصاف فوق، عشق را در تلاطم رنگارنگ روزگار بامشقت و رنج با ورزش آمیخته نمود تا به عنوان ورزشکاری نام‌آور و مطرح بر ورد زبان انفاس به گردش درآید.

این سید بزرگوار با پیروی از اجداد پاک خود، خلوص را در ورزش خود به عنوان عملی جهت ترفیع معنویات به کار بست.

مرحوم مصلح از پول، نفاق و بازارگرمی گریزان بود تا آرامش و تعصب به باشگاه و مشتاقان آن هدیه کند، که خود راهی بود جهت هر چه بیشتر مقبولیت و محبوبیت تا همواره در قلبها بماند و نام زیبایش بر ورد زبانها بچرخد.

تشییع و ترحیم با شکوه سیدمرتضی مصلح یعنی عهد بستن به روح جوانمردی، مردم‌داری و تعصب به باشگاه و ورزش. حال اگر چه جسم سید در بین ما نیست ولی راه و روش او چراغی روشنگر در مسیر ترقی و پیشرفت جوانان ورزشکار این استان قرار دارد، لذا جوانان باید همواره منش و کردار آن مرحوم را در مسیر زندگی ورزشی خود به کار گیرند تا همواره در دلها به نیکی یاد شوند.

مقام دوم برای تیم کشتی آزاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

تیم کشتی آزاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به مقام دوم مسابقات قهرمانی دانشگاههای آزاد اسلامی منطقه یک کشور دست یافت. این مسابقات که با شرکت ۱۹۰ نفر کشتی‌گیر از ۱۹ واحد دانشگاهی برگزار شده بود کشتی‌گیران استان بوشهر با کسب ۳ مدال نقره و برنز مقام نائب قهرمانی این مسابقات را از آن خود کردند. همچنین تیم کشتی فرنگی این دانشگاه نیز به مقام سوم رسید.

تیم بسکتبال خواهران دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر نیز در مسابقات بسکتبال منطقه یک کشور به مقام قهرمانی مسابقات دست یافت.

مدال طلا برای تیم معلولین و جانبازان بوشهر

● تیم معلولین و جانبازان بوشهر که در مسابقات قهرمانی کشوری عازم تهران شده بود، باکسب ۴ مدال طلا، ۲ نقره و ۱ برنز و در کلاس CP، با بدست آوردن ۴ مدال طلا و ۵ مدال نقره به بوشهر بازگشت. این تیم که با شرکت ۸ نفر در این مسابقات حضور یافته بود، موفق شد مقام چهارم کشور را بدست آورد.

علیرضا سالمی، مقام سوم وزنه‌برداری جوانان کشور را از آن خود کرد

در مسابقات قهرمانی وزنه‌برداری جوانان باشگاهی کشور که در شهرستان بابلسر برگزار گردید، علیرضا سالمی عضو تیم وزنه‌برداری جوانان بوشهر موفق گردید که در وزن ۱۵۰+ کیلوگرم در حرکت دو ضرب، مقام سوم کشور و در مجموع مقام چهارم کشور را بدست آورد. همچنین در همین وزن اسماعیل مرادی یکی دیگر از اعضاء تیم وزنه‌برداری جوانان بوشهر نیز مقام ششم کشور را از آن خود کرد.

****

برگزاری مسابقه شطرنج در بوشهر

به مناسبت میلاد باسعادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) یکدوره مسابقه شطرنج با همکاری هیئت شطرنج و صندوق قرض‌الحسنه ابوالفضل العباس(ع) در سالن شطرنج‌سرای اندیشه برگزار شد.

در این مسابقه ۴۳ نفر شطرنج‌باز به رقابت پرداختند که در پایان آقایان حسین اردشیرپور، هادی حیدری، رسول دل‌کانی، بهروز حق‌شناس، بابک کاویان و علی یوسفیان مقامهای اول تا ششم را بدست آوردند.

جوابیه سازمان تامین اجتماعی بوشهر

سردبیر محترم نشریه نسیم جنوب، سلام‌علیکم

در پی چاپ خبری تحت عنوان (آیا پزشکان جوان حق طبابت ندارند) در صفحه ۷ نشریه شماره پانزدهم یکشنبه مورخ ۷۷/۸/۳، خواهشمند است دستور چاپ جوابیه زیر را صادر فرمائید.

احتراماً از آنجائیکه سازمان تأمین اجتماعی پشتوانه‌ای محکم برای اقشار محروم و کارگر جامعه می‌باشد و همچنین تعهداتی در قبال بیمه‌شدگان عزیز دارد تاکنون با اقتدار کامل و پویایی تمام در خدمت این عزیزان بوده است. لذا در همین راستا در اکثر نقاط کشور اسلامی دارای مراکز درمانی ملکی با تخصصهای متفاوت بوده که بصورت رایگان تمام وقت در اختیار بیمه‌شدگان عزیز می‌باشد و در مناطق مختلف میهن اسلامی با مراکز دولتی و خصوصی اعم از بیمارستانها، درمانگاهها، داروخانه‌ها، مطبها و مراکز پاراکلینیکی و غیره قرارداد همکاری منعقد می‌باشد.

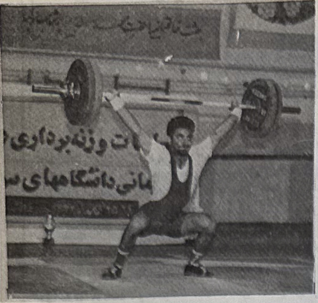
دکتر دانشمند، سرپرست درمان استان بوشهر

جوابیه اداره آب و فاضلاب خورموج

سردبیر محترم نسیم جنوب. با سلام و تشکر فراوان از اینکه زحمت چاپ جوابیه این امور به خود هموار فرمودید باید به عرض برسانم از جهت اینکه جنابعالی چنین برداشتی از پاسخ اظهارات چاپ شده داشته‌اید متأسفم زیرا مردم ولینعمت ما هستند و ما خدمتگذار، وقتی که خدمتگذاری با کمال صداقت و امانتداری وظیفه خود را انجام دهد سزاوار است فردی بدون آگاهی باعث بی‌اهمیت جلوه دادن خدمات آن شود؟ زیرا موارد چاپ شده بطور قطع یقین کذب محض می‌باشد و هیچگونه جنبه انتقادی ندارد که جنابعالی ایشان را فردی مسئول و ما را یکسونگر اعلام نموده‌اید زیرا نظریه و انتقادات مردم برای ما بسیار محترم است چون کار ما خدمات رسانی است و هدف ما هم رضایت آنهاست و موارد منتشره خلاف این ادعا می‌رساند، لازم به ذکر است بنا به اظهارات چاپ شده چنانچه این امور دارای موارد خلافی می‌باشد عیناً به ما اعلام تا موجب استمرار آن نشود و ما بیش از این در پیشگاه خداوند گناهکار و شرمنده نشویم.

«سید حجت‌الله سجادی - مدیرامورآب‌وفاضلاب خورموج»

توضیح نسیم جنوب: ضمن عرض تشکر از این مسئول محترم، حرف ما این است که نباید از انتقاد (ولو غیر وارد) آشفته شده و با عصبانیت برخورد نمائیم. مسلماً مردم قدر خدمات و زحمات خادمین خود را درک می‌نمایند و البته اگر اشتباهی نیز صورت پذیرد آنرا به سایر افراد زحمتکش تعمیم نداده و تلاش آنان را ضایع نمی‌گردانند، اما اجازه دهیم این مردم نیز اندکی از مشکلات خود بنالند، شاید فرجی حاصل شود. خداوند انشاءالله شما و دیگر زحمتکشان اداره آب و فاضلاب خورموج را در جهت خدمت به این مردم یاری رساند. سلام ما را به همکاران گرامیتان برسانید.



نائب قهرمانی وزنه‌برداری برای یک دانشجوی پیام نور بوشهر

یکی از دانشجویان دانشگاه پیام نور بوشهر موفق شد که مقام نائب قهرمانی دسته سبک وزن مسابقات وزنه‌برداری دانشگاههای سراسر کشور را بدست آورد.

بهرام صیادی دانشجوی رشته مدیریت دولتی این مرکز نائب قهرمان سبک‌وزن این مسابقات که در کرمانشاه برگزار شد گردید.

ارتقاء کمربند دان ۴ و ۳ در بوشهر

برای اولین بار در استان بوشهر یکدوره ارتقاء کمربند دان ۴و۳ تکواندو، زیر نظر فدراسیون تکواندو برگزار گردید. به گزارش روابط عمومی اداره تربیت‌بدنی، ۳۲ نفر از استانهای بوشهر، فارس، لرستان، خوزستان، کرمان، مازندران، تهران و اصفهان در این دوره شرکت نموده بودند که از این میان ۲۴ نفر ارتقاء کمربند گرفتند که ۱۱ نفر از این عده را تکواندوکاران بوشهری شامل می‌شدند.

جوابیه اداره کل بیمه خدمات درمانی استان بوشهر

سردبیر هفته نامه نسیم جنوب، با عرض سلام. خواهشمند است موارد ذیل را جهت روشن شدن اذهان بیمه‌شدگان محترم سازمان بیمه خدمات درمانی درخصوص مطلب مندرج در صفحه هفت شماره هفدهم روز یکشنبه ۱۷ آبان ماه ۷۷ با عنوان دفترچه‌های خدمات درمانی چه کار آید؟ طبق قانون مطبوعات درج و منتشر نمائید.

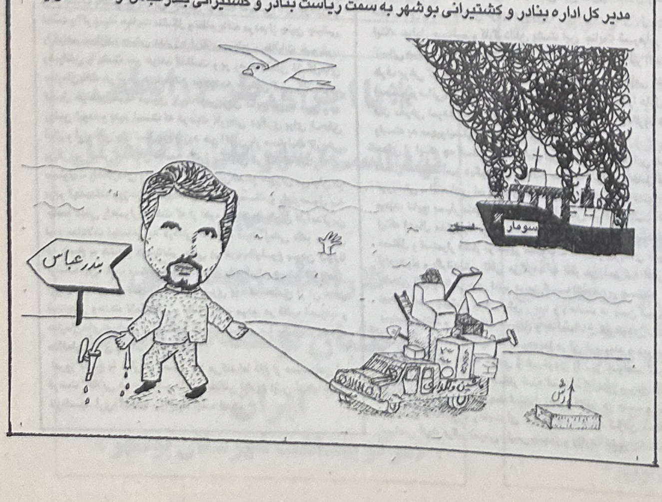
۱- اداره کل بیمه خدمات درمانی با توجه به حفظ حقوق بیمه‌شدگان و قرارداد فیمابین همواره سعی و تلاش دارد که تسهیلات لازم را طبق ضوابط مصوب و موجود تأمین و در اختیار بگذارد. فلذا در همین راستا در استان قرارداد با مراکز درمانی موجود با ۱۰۰ درصد داروخانه، آزمایشگاه، رادیولوژی و بیمارستانهای استان، ۹۳٪ پزشکان عمومی و متخصص و ۷۵٪ دندانپزشکان قرارداد همکاری دارد و کلیه مراکز طرف قرارداد با توجه به ضوابط ملزم به پذیرش بیماران سازمان بیمه خدمات درمانی می‌باشند و چنانچه موردی مشاهده و گزارش دریافت گردد اقدام عاجل صورت خواهد گرفت.

۲- آن دسته از مراکز درمانی اعم از خصوصی و دولتی که با این اداره قرارداد همکاری ندارند یا ضوابط انعقاد قرارداد نداشته و یا اینکه به دلائل تخلفات و اجحاف به بیمه‌شدگان و سازمان لغو قرارداد شده‌اند.

۳- در ارتباط با بدحسابی اعلام شده توسط برخی پزشکان متخصص محترم در مراجعه بیماران به مطب آنها لازم است با افتخار اعلام گردد که در کذب بودن ادعا شبهه‌ای وجود ندارد و تاکنون مشکلی در پرداخت هزینه اسناد مراکز طرف قرارداد وجود نداشته و کارکنان زحمت‌کش این اداره کل در اداره اسناد پزشکی و امور مالی با تلاش شبانه‌روزی خود سعی در بررسی و پرداخت به موقع هزینه اسناد طبق ضوابط را دارند. در پایان اعلام مجدد می‌نمائیم که کارکنان این اداره کل افتخار دارند که خادم قشر آسیب‌پذیر جامعه و امت شهیدپرور باشند و نویسنده محترم مطلب با توجه به مطالب فوق که در مراجعه به طرف قرارداد این اداره کل با مشکل مواجه شده‌اند مورد را بصورت نام و نشان اعلام تا پی‌گیری و اقدام صورت گیرد تا شبهه‌ای در این ارتباط وجود نداشته باشد. خداوند همه ما را در خدمتگزاری موفق و مؤید بدارد.

«حوزه روابط عمومی اداره کل بیمه خدمات درمانی»

مدیر کل اداره بنادر و کشتیرانی بوشهر به سمت ریاست بنادر و کشتیرانی بندرعباس ارتقاء شغلی یافت.





علی رحیمی
۵ ساله



زهرا پزی
۵ ساله



هما موّحد
۵ ساله



هدی موّحد
کلاس دوم/ دانش‌آموز ممتاز
دبستان نمونه مردمی معینی
معدل ۲۰/ با تشکر از خانم
علیزاده

ابهامی دیگر بر تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی

به بهانه قتل داریوش فروهر و همسرش

«علی دواچی»

قتل فجیع داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری،نقطه ابهام دیگری بر موضوع تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی گذاشت.عدم امنیت برای منتقدین و دگراندیشان، نقطه مقابل شعارهای رئیس جمهور مبنی بر تسامح، تساهل و قایل‌شدن حق ابراز عقیده و بیان برای مخالفینی که شعار براندازی نظام را در دستور کار خود ندارند، می‌باشد. اما آنچه که شاهد آنیم اعمال فشارهای روزافزون گروههای فشار،نه بر منتقدین و دگراندیشان و به اصطلاح «غیرخودی»ها بلکه حتی مسئولان رده بالا و مطبوعات «خودی» می‌باشد. چنین روند رو به رشدی که یقیناً از برخی کانون‌های قدرت حمایت و برنامه‌ریزی می‌شود، برنامه‌های توسعه سیاسی رئیس جمهور را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد. [illegible] ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید،اما از این نکته نیز نباید غافل شد که جامعه ایران تاکنون چندین‌بار

اگر رئیس جمهور و همفکران وی که با اتکا در دست‌داشتن برخی مجاری قدرت دولتی، طلایه‌دار حرکت به سوی جامعه مدنی شده‌اند، برای برداشتن موانع راه و شتاب بخشیدن به این جنبش از اراده سیاسی لازم برخوردار نباشد و اگر زمینهٔ حمایت متشکل و نظام یافته مردم از چنین جنبشی را فراهم نسازند، جنبش مدنی با ارتقای سطح مطالبات خویش، رهبرانش را پشت سر خواهد گذاشت و بر زمینه فقدان تشکل‌های سازمان‌یافته در برخورد با موانع موجود،به جنبشی کور و مخرب تبدیل خواهد شد

فرصت‌های تاریخی طلایی برای تحقق جامعه مدنی را از دست داده‌است.نگاهی به حوادث دوران مشروطیت، قضایای شهریور ۲۰ و متعاقب آن جنبش ملی‌شدن نفت و خیزش‌های پس از آن، همه و همه نشانگر ناکامی مردم ایران در دست‌یابی به این فرصت‌های تاریخی [illegible]

[illegible]

امروز تاریخ به نیکی از مصدق یاد می‌کند. اما داغ از دست دادن آن فرصت طلایی همواره بر دل شیفتگان آزادی این آب و خاک تازه است. آری، گذشته چراغ راه آینده است.

داریوش فروهر و همسرش از دیدگاه دکتر مصدق

● سیامک ایران‌نژاد

در هفته‌گذشته داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری در منزلشان واقع در تهران به طرز فجیع و جنایتکارانه‌ای به قتل رسیدند. فروهر هنگام مرگ هفتاد سال داشت، از سالهای دههٔ بیست شمسی همواره در صحنه سیاسی ایران حضور داشتند. مرحوم فروهر یکی از پایه‌گذاران اصلی جنبش پان‌ایرانیست و سپس حزب ملت ایران بود. یکی از ویژگی‌های اصلی او در خط و مشی سیاسی، هواداری مستمر و پایا از دکتر محمد مصدق، چه در سالهای قدرت و نخست وزیری‌اش و چه در سالهای پر ادبار پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. فروهر از جمله هفت مردی بود که علیرغم خفقان و جو پلیسی وحشتناک، در تشییع جنازه و مراسم خاکسپاری مصدق در احمدآباد شرکت کردوتا آخرین ساعات زندگی لحظه‌ای از آرمان خود دست برنداشت.

نام داریوش فروهر با دو چیز گره خورده بود یکی جنبش پان‌ایرانیست و دیگی آرمان و راه مصدق. دربارهٔ خط فکری پان‌ایرانیسم و تأثیر بر تحولات سیاسی دههٔ بیست و سی شمسی کم و بیش سخن رفته است. (۱) همچنین استواری و دفاع شجاعانه فروهر از مصدق و وفاداری به راه و مکتب مصدق، موضوعی است که هر کس که داریوش فروهر را می‌شناخت، لاجرم به آن اعتراف می‌کند. اما دیدگاه دکتر مصدق دربارهٔ داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری چه بود و رهبر مرشد دربارهٔ یکی از صدیق‌ترین پیروان و رهروانش چه نظری داشت؟ این یک موضوعی است که در نوشتهٔ کوتاه حاضر به آن خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که مصدق چه ارزش و احترامی نسبت به این زوج وطن‌دوست قائل بود و تا چه پایه آن دو را گرامی می‌داشت مآخذ اصلی ما در این زمینه نامه‌های مصدق است که به کوشش پژوهشگر پرتلاش آقای محمد ترکمان تنظیم و منتشر شده است. (۲)

در کتاب «نامه‌های دکتر مصدق» مجموعاً ۱۳ نامه از او خطاب به این زن و شوهر وجود دارد که هشت نامه خطاب به خانم پروانه اسکندری و پنج نامه خطاب به داریوش فروهر است. قدیمی‌ترین نامه این مجموعه تاریخ ۵ فروردین ۱۳۳۸ را دارد که پاسخ مصدق است به نامه فروهر که سال نو را به وی تبریک عرض کرده بود. مصدق در این نامه «از اظهار لطفی که برای نوروز ۱۳۳۸ نسبت به اینجانب فرموده‌اید صمیمانه تشکر» می‌کند و از خداوند می‌خواهد که «این سال به جنابعالی و همفکران محترمتان مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار همگی به این اعیاد برسید.»

نامه به این جملهٔ تجلیل‌آمیز از فروهر پایان می‌پذیرد: «اینجانب وظیفه‌ای ندارم جزاینکه دعاکنم‌خدای‌بزرگ‌امثال شمارازیاد کند.»(۳)

نامه دوم و سوم در اول فروردین ۱۳۴۱ و خطاب به پروانه اسکندری و فروهر نوشته است. مصدق در نامه خود به خانم اسکندری جمله‌ای نوشته که بیانگر شجاعت پایداری این زن نسبت به آرمان و اهداف شوهرش، که همانا استقلال، آزادی و سربلندی ایران می‌باشد، بود: «اجازه فرمائید اینجانب هم به عوض این ضرب‌المثل مصدع شوم و آن این است که خداوند نجار نیست ولی درب و تخته را خوب به هم وصل می‌کند. امیدوارم که این زوجین محترمین (فروهر و اسکندری) همیشه به سلامت باشند و به اجرای نیات وطن‌پرستانه خود توفیق حاصل فرمایند.»(۴)

به دنبال یورش رژیم پهلوی به اعضای جبهه دوم ملی در سال ۱۳۴۱ بسیاری از اعضای این جبهه، از جمله فروهر مسئول حزب ملت ایران و یکی از اعضای فعال و پرانرژی جبهه ملی دوم، بازداشت و زندانی شدند. (۵) با فرا رسیدن نوروز سال ۱۳۴۲ فروهر در زندان بود. دکتر مصدق در نامه‌ای به پروانه اسکندری، مورخ ۶ فروردین، احساسات خود را نسبت به فروهر چنین بیان کرده است:

«... نمی‌دانم از فرط افسردگی چگونه عرض کنم چون که یک عده دوستان و فداکاران حقیقی مملکت من جمله شخص قائم‌بالذات، یعنی همسر محترم شما، بجرم پاکی عقیده و دوستداری وطن اکنون مدتی است که در زندان بسر می‌برند و معلوم نیست که این رفتار ظالمانه تا چه وقت ادامه پیدا می‌کند، وضعیتشان به کجا منتهی می‌گردد. بنده خود نیز که سالها هست که به این سرنوشت دچار شده‌ام از خدا می‌خواهم که سال ۱۳۴۲ سال فرج از شدت باشد، آقایان دوستان عزیز هم از اسارت درآیند و در راه آزادی و استقلال ایران گامهای بلند و مؤثر بردارند...» (۶)

به فاصلهٔ ده‌روز از این نامه، یعنی ۱۶ فروردین، مصدق دو نامه جداگانه به این زن و شوهر نوشت از فحوای نامه‌ای که به بانو اسکندری نوشته معلوم می‌شود که این زن شجاع از طریق دختر مصدق ـ زهرا ـ نامه‌ای برای او و دربارهٔ ادامهٔ مبارزه با رژیم پهلوی نوشته که مصدق نیز به صورت سربسته‌ای در نامه‌اش به این موضوع اشاره کرده است.



یکی از ویژگی‌های اصلی داریوش فروهر در خط و مشی سیاسی، هواداری مستمر و پایا از دکتر محمد مصدق، چه در سالهای قدرت و نخست وزیری‌اش و چه در سالهای پر ادبار پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود.

«نامه‌ای که لطف فرموده‌اید خانم زهرا مصدق برای بنده فرستادند و موجب کمال خوشوقتی و امتنان گردید. جواب آن را هم به اختصار عرض کرده تقدیم می‌کنم که در صورت امکان به محل خود ارسال فرمائید. در خاتمه خواهانم که صبر و شکیبائی را پیشه قرار دهند تا بخواست خدا فرج بعد از شدت پیش آید.» (۷) همان روز، ۱۶ فروردین، مصدق در نامه‌ای به داریوش فروهر، که از زندان قصر سال نو را به رهبر و پیشوایش تبریک عرض کرده بود، تألمات روحی خود را از زندانی شدن او و یارانش این چنین بیان کرده است:

«... از اظهار لطفی که فرموده‌اید بی‌نهایت متشکرم. نظر به اینکه در این سال برای ما عیدی نیست که تبریک عرض کنم خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی بسر برید و عمر بنده کفاف دهد که مرتبه دیگر جنابعالی و سایر آقایان محترم عزیز را زیارت کنم و ببوسم.» (۸) نامهٔ بعدی در ۲۸ فروردین ۱۳۴۳ خطاب به فروهر نگاشته شده است. مصدق در این نامهٔ کوتاه اظهار امیدواری می‌کند که «خداوند به همه توفیق خدمت کرامت کند که اوضاع وطن ما قدری بهتر از این شود.» (۹)

در نوروز سال ۱۳۴۴ فروهر باز در زندان بود. بعد از کودتای مرداد ۳۲ او بارها به زندان افتاده بود اما هر بار استوارتر به مبارزه‌اش علیه حاکمیت خفقان و سانسور ادامه داده بود. مصدق اینبار نیز طبق معمول چندسالهٔ اخیر در نامه‌ای به همسر و همسنگر فروهر ضمن اعلام اینکه سال جاری «سالی است که آن عید دیده نمی‌شود» می‌نویسد: «... و برای دوست عزیزم اگر از بنده خدمتی ساخته باشد با کمال میل و افتخار انجام می‌دهم...» (۱۰)

مصدق خود در زندان احمدآباد بود و مطرود رژیم. از یک زندانی و طرد شدهٔ نظام و حاکمیت سیاسی چه کاری ساخته بود جز ابراز همدردی؟! در اردیبهشت سال بعد، ۱۳۴۵، مصدق در نامه‌ای به همسفر فروهر آرزوی «سلامت همسر فداکارش» را کرد. (۱۱)

در نیمه دوم سال ۱۳۴۵ فروهر از زندان رژیم شاه آزاد شد. دکتر مصدق در نامه‌ای به تاریخ ۱۴ آبان شادمانی و سرور خود را از این آزادی چنین شرح داده است: «قربانت گردم، مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و آنقدر خوشحال نشدم که بتوانم آن را شرح دهم. بحمدالله که کار به خیر گذشت و رفع نگرای از خاطر ارادتمندان جنابعالی گردید. و از خداوند خواهانم که به جنابعالی سلامت و توفیق خدمت عطا کند که بتوانید خدمات مفیدی به وطن عزیز کنید. حال بنده خوب نیست و از روی حقیقت‌ازاین‌زندگی‌خسته شده‌ام...»(۱۲)

چند هفته بعد دکتر مصدق به دلیل بیماری در بیمارستان نجمیه تهران بستری شد. فروهر قصد عیادت از او را داشت اما عمال رژیم مانع از این اقدام شدند. مصدق در همان بیمارستان، وضع خود را در نامه‌ای برای فروهر چنین شرح می‌دهد: «... از اظهار لطفی که فرموده‌اید بسیار متشکرم و مایل بودم اکنون که در بیمارستان هستم به دیدار جنابعالی نائل و موفق گردم. متأسفانه وضع اینجا هم مثل احمدآباد است و غیر از چند نفر اقوام و اعضای خانواده به دیگری این اجازه داده نمی‌شود. این است که با کمال تأسف به عرض این مختصر تشکرات خود را عرض کنم و از خداوند بقاء و سلامت جنابعالی را خواهانم.» (۱۳)

فروهر چون موفق نشد خود شخصاً با مصدق تماس بگیرد و مسائل مبارزه با رژیم را شخصاً با وی در میان بگذارد، این ماموریت را به همسرش محول کرد. خانم اسکندری نامه‌ای به مصدق نوشت و خواستار ملاقات شد. مصدق نیز در پاسخ نوشت: «... قبول بفرمائید که بنده بسیار شائق دیدار و ملاقاتم ولی شخصاً در این باره نمی‌توانم اقدامی بکنم و این وظیفه خود سرکار علیه است که با یک نفر از خویشان و فرزندان بنده تشریف بیاورید که گمان می‌کنم در این صورت مزاحم نشوند...»(۱۴)

آخرین نامه دکتر مصدق خطاب به خانم پروانه اسکندری، که تاریخ ندارد، مربوط است به امر مبارزه ملی مردم ایران علیه رژیم شاه. متن کامل نامه چنین است: «عرض می‌شود بسیار متأسفم که نتوانستم جواب مرقومه محترمه را زودتر و به موقع تقدیم کنم. اوراق مرحمتی را به دقت خواندم و عرض می‌کنم بسیار خوب تنظیم شده و تبریکات خود را به نویسندهٔ محترم آن عرض می‌کنم ولی اینکه نظر بنده را در انتشار آن خواسته‌اید باید عرض کنم با وضعیت فعلی صلاح در انتشار نیست. بعدها می‌توانید هر وقت بخواهید منتشر شدید. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و سلامت وجود محترم را خواهانم.»(۱۵)

منابع و مآخذ: ۱ـ محسن مدیر شانه‌چی: احزاب سیاسی ایران، با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعهٔ سوسیالیستها. رسا. چاپ اول. تهران ۱۳۷۵ ص ۶۱ و ص ۷۱. ۲ـ محمد ترکمان:، نامه‌های دکتر مصدق، نشر هزاران، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴. / ۳ـ همان. ص / ۲۸۰ / ۴ـ همان، ص۲۹۴. / ۵ـ برای شرح کامل این دوره نگ: سرهنگ غلامرضا نجاتی: تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتاه تا انقلاب) رسا. چاپ اول. تهران ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۶۹. / ٦ـ نامه‌های دکتر مصدق، ص ۳۰۷. / ۷ـ همان، ص ۳۰۸ / ۸ـ همان، ص۳۰۹ / ۹ـ همان، ص ۳۲۰ / ۱۰ـ همان، ص ۳۴۱ / ۱۱ـ همان، ص۳۵۵ / ۱۲ـ همان، ص ۳۵۶ / ۱۳ـ همان، ص ۳۵۶ / ۱۴ـ همان، ص ۳۵۷ / ۱۵ـ همان، ص۳۷۶.

در پی چه نتیجه‌ای؟!

● رضا عبدالهی

بِایِّ ذَنبٍ قُتِلَت، به کدامین گناه کشته شدید؟!

جنایت هولناک قتل شادروان آقای داریوش فروهر، دبیر کل حزب ملت ایران و همسر شجاع و فداکارش خانم پروانهٔ فروهر، بدست تبهکاران داخلی، علاوه بر ایجاد موجی از تأثر و تأسف عمیق همراه با خشم و نفرت در بین کلیه علاقمندان و دلبستگان به نهضت ملی ایران، تمامی آزادگان و باورمندان واقعی به آزادی و رعایت حقوق انسانها را نیز در نگرانی و انزجار فرو برد. جنایت مذکور چنان فجیع و ناجوانمردانه بود که واکنش منفی برخی مقامات و نیروهای سیاسی درون حاکمیت را نیز به همراه داشت. انعکاس گسترده حادثه مذکور در رسانه‌های بین‌المللی نیز اهمیت موضوع را نشان داد.

البته فروهر و همسرش اولین قربانیان این دست از جنایتها نبوده، بلکه قبلاً افراد سیاسی شاخص دیگری از جمله مرحوم دکتر کاظم سامی نیز ـ در آذر ماه سال ۶۷ ـ فدای این قبیل اعمال زشت و ضدانسانی و ضداسلامی گردیده بودند.

اینکه عوامل مستقیم و کارگردانان پشت این جنایت شرم‌آور چه کسانی هستند دقیقاً معلوم نیست،گر چه از هم‌اکنون لبه تیر اتهام به طرف برخی گروهها نشانه رفته و یکی از مسئولین نظامی کشور (محسن رضائی)گروههای فشار وابسته به صهیونیستها را عامل این قتل معرفی نموده است. این برای اولین بار است که از گروه فشار وابسته به صهیونیستها در کشور نام برده می‌شود.

جدای از اینکه چه کسانی آمر و عامل این جنایت بوده‌اند این عمل و اعمال خشونت‌آمیز دیگر از قبیل مانند حمله به اتوبوس حامل هیئت توریستی ـ اقتصادی امریکائیان که بصورت قانونی وارد کشور شده بودند، نتایج بسیار منفی برای کشور به ارمغان خواهد داشت،ضمن اینکه اعمال مذکور به نوعی ادامه تعطیل کردن برخی مطبوعات مستقل و استمرار فشار بر سایر مطبوعات منتقد و نیروهای سیاسی آزادیخواه و دگراندیش تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد که آمران و عاملان قتل و ناامنی‌های اخیر در پی کسب نتیجه زیر هستند:

ایجاد ناامنی بیشتر و افزایش رعب و وحشت در بین نیروهای سیاسی منتقد و مطبوعات مستقل و به اصطلاح غیرخودی ـ گرچه این چاهی نیست که تنها غیر خودی‌ها در آن فرو روند و دیر یا زود گریبان واضعان نظریه خودی و غیرخودی را نیز خواهد گرفت، چنانچه برخی علائم آن آشکار شده است ـ از بین بردن اراده و اقتدار رئیس‌جمهور در جهت استقرار نظم و قانون در جامعه و احترام به حقوق مخالفان و رعایت آن حقوق و برآورده کردن مطالبات سیاسی آنها، درگیر نمودن رئیس‌جمهور و وزارت کشور با هرج و مرجها و خشونتها و عملیاتهای خیابانی و یا شبه قانونی و در نتیجه جلوگیری از تحقق مواعید انتخاباتی رئیس‌جمهور، مخدوش ساختن و تضعیف وجهه بازسازی شده کشور و ملت ایران در سطح جهان و احترامی که بعد از حماسه دوم خرداد اعاده و کسب گردیده است.

اثبات این ادعا که این گروههای فشار و حامیان آنها هستند که در صحنه سیاست داخلی و روابط بین‌المللی حرف اول و آخر می‌زنند نه رئیس جمهور و اکثریت ملت، بی‌اعتبار نمودن طرح پیشنهادی رئیس‌جمهور در مورد گفتگوی تمدنها، زیرا وقتی این تئوری در چهارچوب مرزهای جغرافیائی کشور تنها عینیت نیافته، بلکه با موانع گوناگون از طرف ساختار قدرت سیاسی نیز مواجه است، چگونه می‌توان آن را در صحنه جهانی تحقق خارجی بخشید؟! و آیا به ما نخواهند گفت، چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است؟! و شاید علت اینکه آقای خاتمی نه سال جاری میلادی (سال ۹۸) بلکه سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال گفتگوی تمدنها پیشنهاد کرد ناشی از همین نگرانیهای واقع‌بینانه او در رابطه با مسائل داخلی کشور بوده است. در هر حال، جریانات اخیر کشور، رئیس جمهور را در موقعیت سرنوشت‌سازی قرار داده و اغلب مردم و نیز افکار عمومی تعقیب‌کنندگان مسائل ایران در جهان، در انتظار کیفیت عملکرد ایشان در این بزنگاه مهم تاریخی هستند، دوستداران آزادی و امنیت سیاسی، قضائی و شغلی از رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی می‌خواهند که به رعایت حقوق همه جانبه ملت به سوگندی که به کتاب آسمانی یاد کرده است عمل نموده و نام خود را در ردیف نیک‌اندیشان، نیک‌گفتاران و نیک‌کرداران عالم جاودانه سازد.

مرحوم فروهر که به همراه همسرش در هفته گذشته به قتل رسید، یکی از فعال‌ترین چهره‌های سیاسی مبارز کشور در نیم قرن اخیر بود، او در دوران نهضت ملی در سال ۳۰ درحالیکه دانشجوی رشته حقوق دانشگاه تهران بود به عضویت کمیته موقت حزب پان‌ایرانیست انتخاب گردید و پس از اختلاف با سایر رهبران حزب که دربار و شاه را بر مصدق ترجیح داده بودند، حزب ملت ایران را تأسیس کرد، و با تمام توان از مصدق و دستاوردهای نهضت ملی دفاع نمود، افراد حزب ملت ایران در جریان قیام ۳۰ تیر سال ۳۱ و نیز توطئه نهم اسفند همان سال، با تظاهرات وسیع خود، به مخالفت با دربار و پشتیبان خارجی آنها پرداخته، بار دیگر هواداری خود را نسبت به مصدق اعلام نمودند، افراد این حزب، تنها عناصر ملی بودند که در روز ۲۸ مرداد با اوباشان و سایر نیروهای خود فروخته، در میدان بهارستان به جنگ و ستیز برخاستند. خود فروهر بعد از کودتا و حاکم شدن شاه و زاهدی، توسط آنها به زندان افتاد. پس از رهائی از زندان به نهضت مقاومت ملی پیوست و با عضویت در کمیته بین‌الاحزاب نهضت به مبارزه خود علیه کودتا ادامه داد.

در سال ۳۹ و به دنبال تأسیس جبهه ملی دوم، به عضویت شورای مرکزی جبهه در آمد و بعد از انحلال جبهه ملی دوم، در سال ۴۴ برای ایجاد جبهه ملی سوم کوشش نمود، در فروردین سال ۴۸ استقلال بحرین توسط شاه به رسمیت شناخته شد، فروهر و حزب ملت ایران سخت به این موضوع اعتراض نمود، و آن را نقض آشکار تمامیت ارضی حاکمیت ملی دانسته، کلیه نیروهای ملی را به مبارزه علیه این تصمیم شاه فرا خواندند.

به دنبال این اعتراضات و نیز مبارزات مستمر فروهر و یارانش علیه شاه که تا وقوع انقلاب ادامه داشت، علاوه بر بسیاری از فعالان حزب ملت ایران، شخص او نیز بارها (شاید در حدود چهارده بار) به زندان افتاد.

فروهر در ابتدای انقلاب و در دولت مرحوم مهندس بازرگان، سمت وزارت کار را داشت و اندک زمانی هم وزیر سیار بود ولی به دنبال استعفای دولت موقت، ماموریتهای اداری او هم پایان یافت. او معتقد و ملتزم به فعالیتهای سیاسی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر دموکراسی و حاکمیت اراده مردم بود و عملیات خشونت‌آمیز توسط هر دسته و گروهی را محکوم می‌کرد.

او عاشق ایران و ایرانی بود و علیرغم فشارهای وارد بر او، ماندن در وطن و تحمل ناملایمات را بر رفاه و شاید امنیت در خارج ترجیح داد و سرانجام خود و همسرش با تن بیمار و شکلی مظلومانه قربانی کینه‌توزی جنایتکاران گردیدند.

رحمت خدا بر آنها باد

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسول و سردبیر: یونس فیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنجاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس: بوشهر، روبروی استانداری

دفترهفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹

● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

● مطالب فرستاده شده باز گردانده نمی‌شود.

● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.